



قرآن شریف

با

ترجمہ و تفسیر کاہلی

۲۷

مقدمه

این قرآن مجید که معاً ترجمه و تفسیر آن است، در افغانستان بنام **تفسیر کابلی** شهرت دارد. ترجمه و تفسیر این قرآن پاک را که عالم شهیر مولانا محمود الحَسَن (رح) "دیوبندی - اهل هند" و مولانا شبیر احمد عثمانی (رح) "اهل هند" و حضرت شاه عبدالقادر (رح) و مولانا محمد قاسم (رح) به زبان اُردو نوشته بودند، تحت نظارت علمای فاضل و ممتاز افغانستان از زبان اُردو به زبان دری ترجمه و تدوین شده است. آنها این میوهٔ قیمتی را در اختیار افغانهای مسلمان و مُتَدین قرار داده اند تا آنها از آن مستفید گردند و در زندگی مسیر درست را انتخاب کنند.

روح مُترجمین و مُفسرین آن شاد و جایشان بهشت برین باد!

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾

(هَرَاتینِه) ما (الله) فرورستادیم قرآن را و هَرَاتینِه (بدون شک) ما او را نگهبانیم (۹).

آیت فوق در سورهٔ پانزدهم (سورهٔ حَجِر) است.

(حَجِرِ وادی ای است در میان مدینه و شام و اصحاب حَجِرِ قوم ثمود را گوید)

قابل یادآوریست که هر صفحهٔ این قرآن عظیم الشان نسبت به اصل آن که ۱۰۰٪ بود تا ۱۳۵٪ کلانتر شده است.

ترتیب کنندهٔ این سپاره: محمد هاشم معلم زبانهای دری، پشتو و فارسی در سویدن

۲۰۰۳ - ۱۳۹۲ هجری شمسی مطابق به ۱۰ - ۰۶ - ۲۰۱۳ میلادی



قرآن مجيد

بترجمه و تفسير

انما نوحى اليك الذكر وانك لاصطوي

(سورة الحجر: ٩)

طبع على نفقة

عبدالله بن عبد الغني و اخوانه

بدولة قطر

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

پناه می‌برم به الله از شرّ شیطانِ رانده شده
(شیطان که از رحمت خدا دور شده)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنامِ خداوندِ بخشندهٔ مهربان

سپارهٔ بیست و هفتم (۲۷)

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿۳۱﴾

گفت پس چیست مقصد شما ای فرستاده شدگان

تفسیر: ابراهیم (ع) از فرشتگان پرسید که «برای انجام کدام مهم آمده اید» شاید از وضعیت آنها فهمیده باشد که نزول آنها ضرور برای کدام مقصد اهم دیگر میباشد.

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴿۳۲﴾

گفتند (هر آینه) ما فرستاده شده ایم بسوی گروه گناهگاران (کافران)

لِنُرْسِلَ سِكَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ طِينٍ ﴿۳۳﴾

تا بفرستیم بر ایشان سنگی از گل

تفسیر: برای سزا دادن قوم لوط فرستاده شدیم تا بر سر شان سنگریزه بارانیده آنها را هلاک نمائیم از فید «من طین» معلوم گردید که ژاله نباریده بود که انرا توسعاً «سنگ» خوانده باشند.

مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ﴿۳۴﴾

نشان کرده شده نزد پروردگارتو برای از حد بیرون روندگان

تفسیر: از طرف الله تعالی برین سنگها نشان کرده شد تا این سنگهای عذاب خاسته بر مردمانی زده شود که از حدود عقل، دین و فطرت برآمده اند.

فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۳۵﴾

پس بر آوردیم هر کرا بود در آن قریه از مؤمنان

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمَسْلُومِينَ ﴿۳۶﴾

پس نیافتیم در آنجا غیر یک خانه از مسلمانان

تفسیر : در آن قریه تنها يك خانوادہ حضرت لوط (ع) را كه بنور اسلام منور بود از عذاب محفوظ داشتیم و به قدرت خود رها نیدیم باقی همه را محو و نابود كردیم .

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ

و گذاشتیم در آن قریه نشانه برای آنانکه می ترسند

الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ٣٧ ط

از عذاب دردناک

تفسیر : علامات تباهی تاحال در آنجا موجود است و درین حادثه فوق العاده مرہیم کنندگان را پند و عبرت میباشد .

وَ فِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى

و در قصه موسی (نیز) نشانه ایست (مر ترسندگان را) چون فرستادیم بسوی

فِرْعَوْنَ بِسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ ٣٨ ط

فرعون بادلایل واضح تفسیر : یعنی با معجزات و براهین .

فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ سِحْرٌ أَوْ جُنُونٌ ٣٩ ط

پس روی گردان شد با قوت خود (لشکر خود) و گفت این جادوگر یا دیوانه است تفسیر : بقوت و قدرت خویش نازیده از حق رو گردانید و قوم و ارکان سلطنت خود را نیز با خود غرق ساخت - فرعون اظهار کرد که «موسی از دو حال خالی نیست یا جادوگر هوشیار است و یا دیوانه میباشد» .

فَاخَذْنَا مِنْهُ وَالْجَنُونَ ٤٠ ط

پس گرفتیم او را و لشکر او را پس افکندیم ایشانرا

فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ٤١ ط

در دریا در حالیکه مستحق ملامت بود

تفسیر : ماتجاوز و زبر دستی نکردیم الزام بر خود اوست زیرا به کفر و سرکشی پرداخت و باوجود تبلیغ پیغمبر از شرارت خود باز نیامد - بالاخر پاداش اعمال خود را یافت .

وَ فِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ

و (در قصه) عاد نشانه است چون فرستادیم برایشان

الرَّيْحِ الْعَقِيمِ ۚ ﴿٤١﴾ مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ

باد بی منفعت نگذاشت هیچ چیزی را

أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ ۚ ﴿٤٢﴾

که بگذشت بران مگر که گردانید آنرا مانند پوسیده

تفسیر : عاقبة الامر طوفان عذاب فرارسید که سرتاسر از خیر و برکت خالی بود ، مجرمین را از بین برد و بهر چیزیکه گذشت آنرا پوسیده و میده ساخت .

وَ فِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا

و (در قصه) ثمود نشانه است چون گفته شد برای ایشان بهره گیرید

حَتَّىٰ حِينٍ ۚ ﴿٤٣﴾

تا مدتی

تفسیر : حضرت صالح (ع) فرمود چند روز دیگر از لذات دنیا بهره ببرید و از سامان اینجا فائده بردارید - سرانجام در عذاب الهی (ج) گرفتار میشوید .

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّعِقَةُ

پس سرکشیدند از فرمان پروردگار خود پس فراگرفت ایشانرا صدای مهیب

وَهُمْ يَنْظُرُونَ ۚ ﴿٤٤﴾ فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ

وایشان میدیدند پس نتوانستند برخاستن

وَمَا كَانُوا مُتَّصِرِينَ ﴿٤٥﴾

و نبودند انتقام کشندگان

تفسیر : روز بروز شرارت شان زیاده شده آخر کار ، عذاب الهی (ج) آنها را فرا گرفت و يك صاعقه شد و در حالیکه به چشم سر میدیدند همه آنها از بین رفتند ، همه زور طاقت ، دعاوی متکبرانه و شان و شوکت آنها یکدم بخاک آمیخت هیچیک از آنها نتوانست که بعد از افتادن باز برخیزد - چگونه می توانستند انتقام بگیرند و چه کسی را بکمک خود بطلبند .

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا

و هلاک ساختیم قوم نوح را پیش ازین هر آئینه ایشان بودند

قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٤٦﴾

گروهی نافرمان

تفسیر : پیش ازین اقوام قوم نوح به سبب سرکشی خود دچار تباهی گردیدند چه آن مردم هم در نافرمانی و فسق از حد گذشته بودند .

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا يَدًا وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾

و آسمان را آفریدیم بقوت و (هر آئینه) ما توانائیم

تفسیر : آسمان را بدین وسعت و بزرگی بقدرت کامله بنا فرمود و اگر از آن هم چیز های بزرگتر را پیدا کند برای وی اشکالی ندارد .

وَالْأَرْضَ فَرَّسْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ ﴿٤٨﴾

و زمین را گسترانیدیم پس نیکو گستراننده ایم

تفسیر : زمین و آسمان همه آفریده شده قدرت خدا و در قبض و تصرف اوست ازین جهت مجرم او جایی گریخته و بناه برده نمیتواند - نیز اگر آدم در کار عجیب و صنعت غریب خالق کائنات غور و تفکر کند به معرفت کامله میرسد .

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ

و از هر چیزی آفریدیم جفت

لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۴۹﴾

تا شما پندپذیر شوید

تفسیر : یعنی نورماده طوریکه ابن زید گفته است - و امروز حکمای جدید نظریه تجارب و مشاهدات خود اعتراف دارند که در هر یک نوع و جنس نورماده یافت میشود و یا از «زوجین» چیزهای متقابل و متضاد مراد است مثلا شب و روز - زمین و آسمان - تاریکی و روشنی - سیاهی و سفیدی، صحت و مرض - کفر و ایمان و غیر ذلك .

فِرُّوْا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ ﴿۵۰﴾

(بگوای پیغمبر) بگریزید (از شرک) بسوی الله (هر آئینه) من برای شما از جانب او ترساننده

مَبِينٌ ﴿۵۱﴾ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ﴿۵۲﴾

آشکارم و مگردانید با خدا معبود دیگر

إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مَبِينٌ ﴿۵۱﴾

(هر آئینه) من برای شما از جانب او ترساننده آشکارم

تفسیر : چون زمین و آسمان و تمام کائنات از طرف خدای یگانه پیدا کرده شده و تنها زیر حکومت اوست بنده را باید که از هر جانب منصرف شده بسوی او تعالی بگریزد - اگر آدم بطرف الله تعالی نگریخت و رجوع نکرد خطر زیاد دارد - و یا اگر بسوی دیگری رجوع و تمایل کرد این هم جای ترس و اندیشه است - من شمارا از سرانجام خوفناک این هر دو صورت بوضاحت میترسانم .

كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

همچنین نیامده است به آنانکه پیش از ایشان بودند

مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْنُونٌ ﴿۵۳﴾

هیچ پیغمبری مگر گفتند جادوگر است یا دیوانه

تفسیر : اگر این کافران به چنین تنبیه روشن گوش نهند اندوهگین مشو - چه پیش ازین مردم هر وقتیکه پیغمبری بسوی اقوام کافر آمدهمین طور او را جادوگر و یا دیوانه گفته بودند و به نصائح او ریشخند می کردند .

أَتُوا صَوَابِهِ ۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُوتٌ ۝۵۳ ج

آیا بایکدیگر وصیت کرده مرده‌اند باین (نی) بلکه ایشان گروهی سرکشند

تفسیر : یعنی کافران هر زمانه درین سخن چنان متفق القول بوده اند که گویا بیکدیگر وصیت کنان کردند که «هر پیغمبری که بیاید اورا ساحر و یا مجنون گفته ازو منصرف شویده» نی وصیت نکردند لیکن دوشرارت و طغیان همه شریکند - و همین اشتراک بزبان اشرار آینده الفاظی می‌آورد که طاعنان سابق گفته بودند .

فَتَوَلَّوْا عَنْهُمْ فَأَمَّا أَنْتَ يَا بَلُومٌ ۝۵۴ ز

پس روی بگردان از ایشان پس نیستی تو ملامت کرده شده

وَذِكْرُ فَا تِ الدِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ۝۵۵

و پند داده باش پس (هر آئینه) پند دادن نفع میدهد مؤمنان را

تفسیر : تو وظیفه دعوت و تبلیغ را کماحقه ادا کردی اکنون آنها را تعقیب زیاد کردن و اندوهگین شدن برای توهیح ضرور نیست - الزام هر بی اطاعتی بر دوش خود ایشان خواهد ماند آری وظیفه تو تلقین و تفهیم است - پس این کار را ادامه بده در نصیب کسیکه ایمان باشد این پند تو بِنفع او تمام میشود و کسانی که ایمان آورده اند آنها به نفع مزیدی نایل میشوند و نیز بر کافران حجت خدا تمام میشود .

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ۝۵۶

و نیافریدیم جن و انس را مگر برای آنکه بپرستند مرا (یعنی از آنها پرستش را خواهیم)

تفسیر : از آفرینش ایشان شرعاً بندگی و فرمانبرداری آنها مطلوب است بنابراین در وجود ایشان خلقتاً استعدادی نهاده شده که اگر بخواهند با اختیار خود به راه بندگی روان شوند ، هر چند به اعتبار کونیه قدریه هر چیز در نزد حکم تکوینی اوتعالی عاجز و بی اختیار است لیکن وقتی خواهد آمد که جمیع بندگان به اراده خود این غرض شرعی تخلیق عالم را پوره خواهند کرد - بهر حال تبلیغ و تفهیم را ادامه بده زیرا از همین تعلیم مطلوب شرعی بسست می‌آید .

مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ

نمیخواهم از ایشان هیچ رزقی و نمیخواهم

أَنْ يُطْعَمُوا ۝ (۵۷) إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ

که طعام دهند مرا (هر آئینه) الله همان است روزی دهنده تر

ذُ وَالْقُوَّةَ الْهَيْبَتِ ۝ (۵۸)

خداوند توانائی زور آور

تفسیر : از بندگی شان بمن هیچ فائده نمیرسد بلکه نفع خود ایشان است من چنان آقا و مالک نیستم که به غلامان خود بگویم «بروید برای من کمائی کنید و یا به من نان و خوراک بدهید» ذات بسی نیاز من ازین تخیلات پاک و برتر است - من از آنها روزی نمیخواهم بلکه بایشان روزی میرسانم خوب بسنجید همچو من ذات نیرومند و توانا و پایدار را به خدمات شما چه حاجت است حکم بندگی محض از آن جهت بشما داده شده که قولا و فعلا به شهنشاهی - عظمت و کبریائی ما اعتراف کرده مستحق الطاف و مراحم خصوصی ما گردید .

(من نکردم خلق تا سودی کنم * بلکه تا بر بندگان جودی کنم)

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ نَبُوا بِمِثْلِ ذُنُوبِ

پس (هر آئینه) هست آنان را که ستم کرده اند نصیبه مانند نصیبه

أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ ۝ (۵۹)

یاران گذشته ایشان پس باید بشتاب طلب نکنند از من

تفسیر : اگر این ستمگاران بسوی بندگی رجوع نمیکنند بدانید که مثل دیگر ظالمان پیمانۀ آنها هم لبریز شده و نزدیک غرق شدن است - باید در طلب عذاب از ما شتاب نکنند زیرا همچنانکه به کافران دیگر حصۀ از مجازات خدائی رسیده بایشان نیز خواهد رسید.

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمْ

پس وای کافران را از آن روز ایشان

الَّذِي يُوعَدُونَ ۝ (۶۰)

که وعده داده میشوند

تفسیر : یعنی از روز قیامت و یا پیش از آن کدام روز سزا فرارسد چنانچه مشرکین مکه در «بدر» مجازات کافی یافتند .

(تمت سورة الذاريات و لله الحمد)

(سورة الطور مكية وهي تسع واربعون آية و فيها ركوعان)
(سورة الطور مكي وان جهل و نه آيت و درآن دو ركوع است)



وَ الطُّورِ ①

قسم است به (کوه) طور

تفسیر: همان کوه طور که درآن حضرت خداوند (ج) باموسی (ع) سخن گفت.

وَ كِتَابٍ مَّسْطُورٍ ② فِي رَقٍ مَّشْهُورٍ ③

و کتاب نوشته شده در ورق کشاده
تفسیر: ازین کتاب شاید لوح محفوظ یا اعمالنامه مردم یا قرآن کریم مراد است یا بمناسبت «طور» تورات و یا عموم کتب سماویه اراده شده است تمام این احتمالات درآن موجود می باشد.

وَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ④

و به خانه آباد

تفسیر: شاید قسم بهمین کعبه باشد و یا چنانکه از حدیث ثابت است در محاذات مستقیم خانه کعبه بر آسمان هفتم کعبه فرشتگان است که آنرا «بیت المعمور» گویند.

وَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ⑤

و به سقف بلند

تفسیر: قسم به آسمان که در تمام اطراف زمین بسان یک سقف است و یا عرش عظیم را «السقف المرفوع» گفت که بر فراز تمام آسمانها است از روایات معلوم میشود که آن عبارت از سقف جنت است.

وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ⑥

و به دریای جوشان (پیر)

تفسیر: یعنی دریا های جوشان دنیا مراد باشد و یا غرض از آن دریای عظیم الشان باشد که در زیر عرش عظیم و بالای آسمانها قرار دارد و وجودش از روایات ثابت است.

إِنَّ عَذَابَ رَّبِّكَ لَوَاقِعٌ ﴿٧﴾ مَا لَهُ

که بتحقیق عذاب پروردگار تو واقع شدنی است نیست اورا

مِنْ دَافِعٍ ﴿٨﴾

چیزی دفع کننده

تفسیر : تمام این چیزهاییکه به آن قسم خورده شده شهادت میدهد که آن خدا دارای قدرت و عظمت زیاد است - پس کسانیکه اورا نافرمانی میکنند از عذاب او محفوظ نمی مانند و کسی را قدرت نیست که عذاب فرستاده او را دفع کند .

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ﴿٩﴾

روزیکه بلرزد آسمان بلرزه آمده

تفسیر : یعنی آسمان به لرزه و جنبش آمده پاره پاره خواهد شد .

وَيَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ﴿١٠﴾

و روان گردد کوهها روان شدنی

تفسیر : کوهها از جای خود بیجا میشوند و مانند گرد پنبه در فضا متلاشی میگردد .

فَوَيْلٌ لِّكَ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾

پس خرابی است در آن روز برای تکذیب کنندگان

الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ﴿١٢﴾

آنانکه ایشان به بیپوده گوئی بازی میکنند

تفسیر : کسانیکه امروز مصروف بازی و خنده هستند و سخنان یاوه میگویند و آخرت را دروغ می بندارند در آن روز ایشان به خرابی و تباهی سخت خواهند رسید .

يَوْمَ يَدْعُ عُونًا إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً ۱۳ ط

روزیکه بسختی روان کرده شوند بسوی آتش دوزخ روان کردنی

هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكذِّبُونَ ۱۴

(گفته میشود ایشانرا) این همان آتشی است که شما آنرا تکذیب می کردید
تفسیر: فرشتگان این مکذبین را به خواری و رسوائی زیاد پیش می اندازند و بسوی دوزخ می برند چون آنانرا بدانجا میرسانند بایشان میگویند این همان آتشی است که شما آنرا دروغ میسرديد.

أَفَسِحْرُ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۱۵ ج

آیا سحر است این یا شما نمی بینید

تفسیر: در دنیا پیغمبران را جادوگرووحی آنها را جادومی گفتید اکنون بگوئید این دوزخیکه در آنباره به شما خبر داده بودند آیا واقعاً جادو و چشم بندی است؟ و یا چنانکه در دنیا ادراک و فهم نداشتید باز هم اکنون چیزی بنظرش نمی آید؟

إِصْلَوْهَا فَاصْبِرْ وَأُولَٰئِكَ تَصْبِرُونَ سَوَاءً ۱۶

در آئید در دوزخ پس صبر کنید یا صبر نکنید برابر است

عَلَيْكُمْ ۱۷ ط إِنَّهَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

شما (جز این نیست) که پاداش داده میشود به آن چیزیکه میکردید

تفسیر: چون در دوزخ افتادید اگر مضطرب شوید و فریاد و فغان بر کشید کسی بفریاد شما نخواهد رسید و اگر فرضاً صبر کنید و ساکت و صامت باشید باز هم هیچکس بر شما رحم نخواهد کرد الغرض هر دو حالت یکسان است برای بیرون رفتن ازین محبس مر شما را راهی و وسیلتی نیست پاداش کردارهای ناعاقبت اندیشانه شما در دنیا باین سزای حبس دوام و عذاب ابدی مقابله میشود.

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ۱۸ ل

هر آئینه متقیان (ترسندگان) در بهشتها و نعمتها هستند

فَا كِهَيْنَ بِمَا آتٰهُمْ رَّبَّهُمْ ۗ ج

در حالیکه شادمان ولدت یابند گانند به آنچه که عطا کرده ایشانرا پروردگارا ایشان

وَوَقَّهُمْ رَبَّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ۝۱۸

(و به آنکه) نگه داشت ایشانرا پروردگارشان از عذاب دوزخ

تفسیر : کسانی که در دنیا از خدا میترسیدند در آنجا بکلی مأمونند و هرگونه سامان عیش و راحت برای آنها آماده میباشد و این نیز انعام کم نیست که حضرت خداوند آنها را از عذاب دوزخ بر کنار میدارد.

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا ۖ كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۗ

بخورید و بنوشید گوارا عوض آنچه میکردید

مُتَكِبِّينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ ۗ ج

تکیه زنان بر تختهای گسترده شده قطار

تفسیر : محفل بهشتیان خیلی زیاده و لفریب است آنها مانند پادشاهان مقابل یکدیگر بر تختها می نشینند و آن تختها به سلیقه و طرز قشنگی ترتیب شده است .

وَزَوْجَانِهِمْ يَحُورِ عَيْنٍ ۝۲۰ وَالَّذِينَ آمَنُوا

و جفت گردانیم ایشانرا با حوره های بزرگ چشم و کسانی که ایمان آوردند

وَاتَّبَعْتَهُمْ دُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ

و پیروی کرد ایشانرا اولاد ایشان با ایمان برسانیم بایشان

دُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ ۗ ط

فرزندان ایشانرا و نقصان نکنیم از ایشان از (جزای) عمل ایشان چیزی

تفسیر : اگر اولاد و خویشان کاملان به ایمان پایدار و بر راه آنان روان باشند و نیز خدمتیکه بزرگان آنها انجام داده بودند اینها به تکمیل آن سعی کنند خداوند به فضل و مرحمت خود ایشان را در بهشت به آن کاملان ملحق خواهد کرد. اگر چه اعمال و احوال ایشان نسبت به اعمال و احوال کاملان از لحاظ کمیت و کیفیت فروتر باشد و الحاصل برای اکرام آن بزرگان و افزایش عزت ایشان پیروان شانرا در جوار خود آنها جای میدهند و چنانکه از روایات برمی آید امکان دارد که بعضی از پیروان عیناً به مقام و مرتبه خود آنها رسانده شوند درینصورت نباید گمان برد که از ثواب بعضی نیکی های آن کاملین کاسته بذریعت آنان داده میشود هر گز چنان نمیشود - بلکه این محض فضل و احسان کردگار تواناست که قاصرین را مرتبه بلند بخشوده به مقام کاملین برساند .

تنبیه : مطلب «وَاتَّبِعْتَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» را که نویسنده نوشته است باین حدیث صحیح بخاری مناسبت دارد «قَالَ الْإِنصَارُ (بِارِسْوَالِ اللَّهِ) أَنْ لِكُلِّ قَوْمٍ اتِّبَاعًا وَأَنَا قَدْ اتَّبَعْنَاكَ فَادْعَ اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ اتِّبَاعَنَا - قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اجْعَلْ اتِّبَاعَهُمْ مِنْهُمْ» «انصار بخدمت پیغمبر عرض کردند که هر قوم از خود پیروانی دارد ما ترا پیروی کرده ایم پس به پروردگار دعا کن که پیروان ما را از ما بسازد - نبی کریم (ص) گفت بار الهی! پیروان ایشان را از خود ایشان بساز .»

كُلُّ أُمَّرٍءٍ بِهَا كَسْبٌ رَهِيْنٌ ۝۲۱

هر شخص به آنچه عمل کرد درگرواست

تفسیر : در فوق بیان فضل بود و درین جمله دستور عدل را خاطر نشان فرمود - یعنی مقتضای عدل این است که هر آدم باید بر وفق عمل خوب و یا بد پاداش یا بد بقیه امور مربوط به فضل خداوند است که او تقصیر کسی را معاف فرماید و یا درجه کسی را بلند سازد .

وَأَمْدَادُ نَهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَحَمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ۝۲۲

و پی در پی عطا کنیم ایشانرا میوه و گوشت از هر آنچه آرزو برند

تفسیر : هر قسم گوشتیکه مرغوب طبع باشد و هر میوه که دل آدم بخواهد پی در پی بلون درنگ حاضر کرده میشود .

يَتَنَا زَعُونَ فِيهَا كَأَسَا لًا لَغُوفِيهَا

از دست یکدیگر میگیرند آنجا پیاله شرابرا نه بیپوده گونی باشد در آن

وَلَا تَأْتِيْمٌ ۝۲۳

و نه گناه

تفسیر : چون دور شراب طهور آغاز گردد اهل جنت بخوش طبعی و ظرافت ازدست
همدیگر جام می‌ستانند در آن شراب تنها نشاط و لذت است نشه ، یاوه‌سرایی و فتور
عقل و غیره در آن راه ندارد و نیز گناهی نیست .

وَ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ
و میگردند برایشان نوجوانان ایشان گویا که ایشان (خادمان)

لِوَالِدِهِمْ مَّكَنُونٌ ﴿۲۶﴾
مرواریدند در غلاف (صدف)

تفسیر : چنانکه مروارید در غلاف خود بالکل پاک و شفاف است و هیچ گرد و غبار به آن
نمیرسد صفائی و پاکیزگی آنان نیز دارای همین کیفیت می‌باشد .

وَ أَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿۲۵﴾
و رو آورد بعضی ایشان بر بعضی در حالیکه از یکدیگر میپرسند

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ﴿۲۶﴾
گویند (بدرستیکه) ما بودیم پیش ازین در خانه‌های خود ترسندگان

فَهَيَّا لِلَّهِ عَلَيْنَا وَقَدْنَا عَذَابَ السَّمُومِ ﴿۲۷﴾
پس احسان کرد خدا بر ما و نگهداشت ما را از عذاب سموم

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ
(هر آینه ما بودیم پیش ازین می‌خواندیم خدا را بدرستیکه

هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ﴿۲۸﴾
اوست نیکوکار مهربان

تفسیر : در آن هنگام بهشتیان بسوی یکدیگر متوجه شده صحبت خواهند کرد و بکمال خوشنودی خواهند گفت که «ما در دنیا همیشه ترسان و لرزان بودیم و فکر میکردیم که پس از مرگ سرانجام ما چه خواهد شد ؟ و اندیشه آینده همیشه دامنگیر ما بود احسان پروردگار را تماشا کنید که امروز چسان ما را مأمون و مطمئن داشته و از حرارت آتش دوزخ برکنار فرموده است ما از خدای خویش خوف و رجا داشتیم و او را میخواندیم - امروز دیدیم که حضرت او محض به لطف و کرم خود به فریاد ما رسیده و با ما چنانکه سزاوار عنایت او ست رفتار نمود .»

فَدَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ

پس پندده (ای محمد) پس نیستی تو بفضل پروردگار خود (کاهن) خبرگیرنده از جنها

وَلَا مَجْنُونٍ ۲۹ ط

و نه دیوانه

تفسیر : کافران پیغمبر خدا را گاهی دیوانه و گاهی کاهن می گفتند و چنان میپنداشتند که از جنها و شیاطین چند خبر راست و دروغ گرفته نشر میکند - مگر این معاندین اینقدر نمی فهمیدند که کدام دیوانه و کاهنی تا امروز توانسته که چنین نصائح قیمتدار و اندرز های حکیمانه را بچنین طرز آشکار و شائسته بیان نماید ازین سبب فرمود که آنها را از انجام نیک و بد آگهی ده و نصائح پیغمبرانه را بایشان برسان و از یابو گوئی آنها افسرده مشو - فضل و مرحمت کردگار یار و مددگار تست نه کاهنی و نه مجنون بلکه رسول مقدس خدائی ازین سبب به تبلیغ و تلقین که وظیفه تو است ادامه بده .

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّبَّأْنَا رِيبَ الْمَنُونِ ۴۰

آیا میگویند که شاعر است انتظار میکشیم برو گردش زمانه را

تفسیر : پیغمبری که سخنان خدای را میگوید و نصیحت میکند آیا این مردم او را نمی پذیرند شاید ازین سبب قبول نمیکنند که او را محض يك شاعر می پندارند و منتظر آند - همانطور که بسیاری شعراى زمان قدیم در مرور زمانه مردند و رفتند او هم فنا خواهد شد و هیچ آینده روشن او را استقبال نخواهد کرد و جز تمجید موقتی چند روزه چیزی بیش نیست .

قُلْ تَرَبُّوا مِنِّي مَعَكُمْ مِّنْ

بگو انتظار برید به (تحقیق) من نیز باشما از

الْمُتَرِّبِينَ ۳۱ ط

منتظرانم

تفسیر : یعنی خوب است شما سرانجام مرا ببینید و من از شما را می بینم عنقریب ظاهر میشود که کدام کس کامیاب است و خائب و خاسر کیست ؟

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَا مُهْمٌ بِهِدَا أَمْ هُمْ
آیا می آموزاندایشانرا . عقل های ایشان این را یا ایشان

قَوْمٌ طَاغُونَ ۳۲ ج
گروه سرکشانند ؟

تفسیر : پیغمبر را مجنون خوانده گویا خود را دانشمند بزرگ ثابت میکنند - آیا عقل و دانش آنها همین را بایشان آموخته است که يك پیغمبر راستگوی ، امین و فرزانه را شاعر یا کاهن یا دیوانه خوانده از وانکار کنند ؟ اگر آنها در میان سخنان شاعران و پیغمبران تفریق و تمییز کرده نتوانند چگونه عقلمند توانند شد ؟ حقیقت اینجاست که در دل خود هر چیز را می فهمند مگر محض از روی شرارت و کجروی سخنان گوناگون میگویند .

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّ لَهُ ۳۳ ج بَلْ لَأَيُّومِنُونَ ۳۴ ج

آیا میگویند که خود گفته است (قرآن را) بلکه ایشان ایمان نمی آرند

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ ۳۵ ط إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ۳۶ ط
پس باید بیارند سخنی مانند این اگر هستند راست گویان

تفسیر : آیا خیال میکنند که تلاوت پیغمبر کلام خدا نیست بلکه از دل خود آنرا تراشیده است و به دروغ بسوی خدا منسوب نموده بلی شخصیکه بر سخنی یقین ندارد و نخواهد آنرا تسلیم کند چنین احتمالات بیپوده و بیمورد را پیدا میکند زیرا خوی بدوا بهانه بسیار است و رنه برای شخص باورکننده همین مفهوم کافی است که گر مردم جمیع قوت های دنیا را یکجا کنند باز هم مانند این قرآن آورده نمیتوانند - چنانکه هیچکس نمیتواند مثل خدا زمین و آسمان را پیدا کند، سخنی را مثل قرآن خدای توانا هم ساخته نمی تواند .

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ ٣٦ ط

آیا آفریده شده‌اند بدون آفریننده یا خودایشان آفرینندگان‌اند

أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ ج

آیا آفریده‌اند آسمانها و زمین را

بَلْ لَا يُوقِنُونَ ٣٧ ط

(نه چنین است) بلکه یقین نمیکنند

تفسیر: چرا سخن پیغمبر را نمی‌پذیرند؟ آیا فوق ایشان خدای نیست که پذیرفتن سخن او بر آنها لازم باشد؟ آیا ایشان بدون کدام آفریننده خود بخود پیدا شده اند و یا خود را خدا می‌پندارند؟ و یا این خیال خام را می‌بزنند که آسمان و زمین آفریده خود آنهاست؟ بنابراین هرچه میخواهند می‌کنند و هیچکس مانع آنها نیست - این همه خیالات بکلی باطل و مهمل است ایشان هم در دل‌های خود میدانند که خدا ضرور موجود است که خود ایشان و جمیع آسمانها و زمین را از عدم بوجود آورده است - مگر باوجود این علم از آن ایمان و یقینی که شرعاً مطلوب است محروم و بی بهره‌اند.

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنٌ رَّبِّكَ أَمْ هُمْ

آیا نزد ایشان خزانه‌های پروردگار تست یا ایشانند

الْمُصِطِرُونَ ٣٧ ط

مسلط شدگان (غالبان)

تفسیر: آیا این خیال دارند که زمین و آسمانها آفریده خداست مگر او تعالی اینها را مالک خزائن خود گردانیده است؟ و یا آنها بر ملک و خزائن او بزور خود تسلط و تصرف کرده‌اند پس چون آنها دارای چنین اقتدار و تصرف شده‌اند مطیع و منقاد دیگری چرا شوند؟

أَمْ لَهُمْ سُلْمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ ٣٨ ط

آیا ایشان را زینه‌ایست که بشنوند بران پس باید که بیارد

مُسْتَرِعَهُمْ ۖ يَسْلُطُنِ مُبِينٍ ۖ ﴿۳۸﴾

شنونده ایشان سند آشکار

تفسیر: آیا چنین دعوی دارند که آنهازین را نهاده بر آسمان بالا میشوند و از آنجا سخنان ملاءعلی راشنیده بر میگرددند؟ پس چون آنها مستقیماً به بارگاه اوتالی رسیده بتوانند به پیروی نمودن بشری چه ضرورت دارند؟ هر کسیکه این دعوی دارد بسم الله سند و حجت خود را پیش کند.

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْبَنُونَ ۖ ﴿۳۹﴾

آیا مرورا است دختران و شماراست پسران

تفسیر: آیا (معاذالله) خدا را نسبت به خود پست تر میدانند چنانکه ازین تقسیم آنها در باب پسران و دختران معلوم میشود و از همین سبب کسر شان خود میدانند که مقابل احکام و هدایات اوسر تسلیم خم کنند.

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ۖ ﴿۴۰﴾

آیا می خواهی از ایشان مزدی پس ایشان از توان گرانباراند

تفسیر: آیا این مردم ازین سبب سخن ترا قبول نمیکنند که خدا نکرده برین ارشاد و تبلیغ یک معاوضه سنگینی را از نزد آنها می طلبی که از برداشت آن به تکلیف و زحمت اند.

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ۖ ﴿۴۱﴾

آیا نزد ایشان علم غیب است پس ایشان نوشته نگه میدارند

تفسیر: آیا الله وحی خود را بر خود آنها میفرستد و مثل پیغمبران ایشانرا نیز بر رازهای خود آگاه میسازد که این مردم آنها در قید تحریر می آرند چنانکه وحی انبیاء نوشته میشود و ازین سبب پیروی ترا ضرور نمیدانند.

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا ۖ فَالَّذِينَ كَفَرُوا

آیا میخواهند مکررا پس آنانکه منکراند

هُمُ الْمَكِيدُونَ ۖ ﴿۴۲﴾

ایشانند در ضرر رساندیشی خود گرفتار شدگان

تفسیر: هیچیک از چیز های گذشته نیست، پس آیا آنها اراده آن دارند که بایفمبر فریب کنند و مکرو فریب و تدابیر خفیه را به کار انداخته حق را مغلوب و یا آنها محو و نابود نمایند؟ اگر چنین است باید بدانند که این تمام چال و فریب آنها بر خود ایشان بر میگردد عنقریب بظهور میرسد که آیا حق مغلوب میشود و یا خود آنها نابود میگردند؟

أَمْ لَهُمْ إِلَهٌُ غَيْرُ اللَّهِ ط سُبْحَانَ اللَّهِ
آیا ایشانراست معبودی بجز الله پاک است خدای

عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۴۵﴾

از آنچه شریک می آرند

تفسیر: آیا آنها بدون خدا دیگران را حاکم و معبود تجویز کرده اند که در وقت مصیبت به امداد آنها میرسند؟ و پرستش آنها این مردم را از خدا - بی نیاز ساخته است؟ پس بدانند که این همه اوهام و وسوسه هاست - ذات خداوند تعالی از آن پاک است که کسی شریک و مانند و یا مقابل و مزاحم او باشد.

وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا
و اگر ببینند پاره از آسمان فرود آینده

يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ ﴿۴۶﴾
گویند ابر است تیره

تفسیر: در حقیقت هیچیک از اینها نیست - تنها یک چیز است و آن ضد و عناد آنها میباشد - که بدان سبب این مردم بتکذیب هر سخن راست کمر بسته اند - بحدیکه اگر مطابق خواهش آنها فرضاً تخته از آسمان بر سر ایشان انداخته شود با آنکه صراحتاً آنها ببینند و بشننا سند باز هم در آن تاویلی خواهند نمود. مثلاً خواهند گفت که این از آسمان نیامده بلکه یک قسمت ابر تیره و منجمد شده افتاده است چنانکه گاه گاهی زاله های کلان می بارد پس از چنین معاندین متعصب چه توقع پذیرفتن حق میتوان نمود.

فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي
پس بگذار ایشانرا تا آنکه ملاقات کنند آن روز خودرا

فِيهِ يُصْعَقُونَ ۝ لَا يَوْمَ لَا يَغْنَىٰ عَنْهُمْ

که در آن بیپوش کرده شوند روزیکه دفع نکند از ایشان

كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۝

مکر ایشان چیزی و نه ایشان مدد کرده شوند

تفسیر: ضرور نیست که بیشتر ازین متوجه چنین معاندین گردی آنها را بگذار که چند روز دیگر بازی کنند و سخنانی که خواهند بگویند - آخر روزی آمدنی است که از صدای مهیب صاعقه قهر الهی هوش و حواس آنها زایل خواهد شد و هیچ تدبیر رهائی کارگر نخواهد افتاد و نه از جانبی به آنها مدد خواهد رسید (غالباً ازین روز روز آخرت مراد است).

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ

و (بتحقیق) و ستمگاران را عذابی است پیش از آن

وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝

و لیکن اکثر ایشان نمیدانند

تفسیر: اکثر ایشان خبر ندارند که غیر از عذاب آخرت درین دنیا هم آنها حتماً دچار سزا خواهند شد - شاید این سزا مراد از معرکه (بدر و غیره باشد).

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا

و باش منتظر (صبر کن) مر حکم پروردگار خود را پس (بدرستی که) تو پیش نظر مانی

تفسیر: بصبر و ثبات حکم تکوینی و تشریحی پروردگار خود را انتظار کن که عنقریب بین تو و ایشان فیصله میکند - از طرف مخالفین بتو گزندی نمیرسد چه تو در مد نظر ما و تحت حفاظت و حمایت ما هستی.

وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ۝

و به پاکی یاد کن (خدای خود را) پیوست به ستایش پروردگار خود و قتیکه برخیزی

تفسیر : پیوسته بکمال صبر و اطمینان به تسبیح و تحمید و عبادت خداوند مصروف باش خصوصاً وقتی که از خواب برخیزی و یا برای نماز قیام کنی و یا از مجلس بیرون روی درین حالات و اوقات برای تسبیح و غیره بیشتر ترغیب شده است .

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ ﴿۴۲﴾

و در چیزی از شب بیاکی یاد کن خدای را و وقت پشت گردانیدن ستارگان

تفسیر : از یک «قسمت شب» شاید وقت تهجد مراد باشد و وقت پشت گردانیدن ستارگان وقت صبح است زیرا به مجردیکه روشنی صبح آغاز میگردد ستارگان غائب شده میروند .
(تمت سورة الطور والله الحمد والمنة)

(سورة النجم مکية وهى اثنتان و ستون آية وثلث ركوعات)
(سورة النجم مکى و آن شصت و دو آیت و سه رکوع است)



وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ۝۱

بیفتد

چون

قسم به ستاره

تفسیر : یعنی غروب کند

مَا ضَلَّ صَا جِبْكُمْ وَ مَا غَوَىٰ ۝۲

و غلط نکرده راه را

رفیق شما

گمراه نشده

تفسیر : مراد از رفیق رسول کریم است (ص) یعنی او نه بغلط فهمی و نه بقصد و اختیار خویش به بیراهی روان گردید بلکه چنانکه ستارگان آسمان از طلوع تا غروب به یک رفتار مقرر برای معین روانند و هیچگاه بسمت دیگر منحرف نمی گردند آفتاب نبوت هم بر همان راهی که الله تعالی مقرر کرده مستقیماً روان است که یک قدم این طرف و آن طرف کج نشده چه اگر چنین واقع شود غرض بعثتی که باو تعلق دارد حاصل نمیشود انبیاء علیهم السلام ستارگان آسمان نبوت می باشند که از روشنی آنها دنیا منور و از رفتار آنها مردم راه می یابند چنانکه بعد از غایب شدن ستارگان - آفتاب درخشان طلوع میکند بعد از تشریف بردن تمام انبیاء - آفتاب محمدی از مطلع غرب طلوع نمود پس ذاتیکه بقدرت کامله خویش نظام ستارگان ظاهری را آنقدر محکم و استوار ساخته است که در آن گنجایش هیچگونه تزلزل و اختلال نیست همان گونه این ستارگان باطنی و معنوی و آفتاب و مهتاب روحانی را به نیکوترین صورتی انتظام بخشید زیرا هدایت و سعادت یک جهان به آنها وابسته است .

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ (۳) إِنَّ هُوَ

و سخن نمیگوید از خواهش نفس نیست گفتارش

إِلَّا وَحْيٌ وَهُوَ وَحْيٌ (۴)

مگر وحی که باو فرستاده میشود

تفسیر : از زبان مبارک پیغمبر لفظی نمی برآید که مبنی بر خواهش نفس باشد - بلکه چیزیکه پیغمبر دربارهٔ دین ارشاد میفرماید همه مطابق وحی فرستاده خدا و حکم اوست و آن دو قسم است «وحی متلو» که آنرا «قرآن» و «غیر متلو» که آنرا «حدیث» میگویند .

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ (۵) ذُو مِرَّةٍ

آموخته است او را فرشته بسیار با قوت صاحب صورت نیکو

تفسیر : فرستندهٔ وحی حقیقتاً خدایتعالی است لیکن کسیکه آن وحی را به آنحضرت (ص) میرساند و او را می آموزد فرشته ایست دارای قوت های سخت ، نهایت نیرومند و وجهی که او را «جبریل امین» میگویند چنانچه در سوره «التکویر» راجع به جبریل فرمود «انه لقول رسول کریم ذی قوه - الایه» (رکوع اول التکویر) .

فَأَسْتَوَىٰ (۶) وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ (۷)

پس راست نشست آن فرشته در حالی که بکناره بلند آسمان بود

تفسیر : اکثر علماء از «کناره بلند» افق شرقی مراد گرفته اند که از آن سمت صبح صادق نمودار میشود رسول کریم (ص) در ابتدای نبوت خود باری حضرت جبریل را در صورت اصلی ایشان بر یک کرسی نشسته دید و چنان پنداشت که آسمان از یک کناره تا کناره دیگر کاملاً از وجود او پر شده - چون آنحضرت (ص) این منظر بزرگ و فوق العاده را نخستین بار دیده بود خیلی ترسید و پریشان شد در نتیجه سوره «مدثر» نازل گردید .

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى (۸) فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ

پس نزدیک شد باز سر فرود آورد (بسیار نزدیک شد) پس بود مسافت میان ایشان مقدار دو کمان

أَوَادُنِي ۹ فَأَوْحَىٰ إِلَيَّ عَبْدِي مَا أَوْحَىٰ ۱۰

یا نزدیکتر از آن - پس وحی فرستاد خدا بسوی بنده خود آنچه وحی کرد

تفسیر : بآنکه جبریل به قراز گاه اصلی خود تعلق داشت بسوی پایان سر فرود آورد و به آنحضرت (ص) آنقدر نزدیک شد که بین هر دو باندازه ذراع و یا دو کمان بیشتر فاصله نبود حضرت خداوند جل جلاله در آنوقت بر بنده خاص خود (محمد رسول الله (ص) وحی فرستاد - غالباً از آن این آیات سوره مدثر «یا ایها المدثر قم فانذر - الایه» مراد است و یا کدام احکام دیگر خواهد بود .

تنبیه : نزد محققین «او» در «قاب قوسین او ادنی» برای شك نیست بلکه اینگونه تر کیب باتاکید و مبالغه کامل برای زیادت، نفی میباشد یعنی از تعیین مقصد آن نیست که فاصله «قوسین» بود و یا کمتر از آن بلکه محض اظهار مطلوب است که به هیچ صورت بیشتر از آن نبود . و فیه اقوال اخذ ذکرها المفسرون .

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ۱۱

دروغ نگفت دل پیغمبر در آنچه دید

تفسیر : حضرت محمد (ص) جبریل را بچشم خود دید و دل او از درون سینه گفت که درین هنگام چشم به صحت و یقین فقط جبریل را می بیند ، هیچ شائبه غلطی نیست که چیز دیگر بنظر برخوردده باشد - درین اظهار دل پیغمبر راست و صادق بود - حقتعالی همینطور در دلهای پیغمبران معرفت فرشته را می اندازد - چه اگر خود رسول به آن اطمینان نداشته باشد دیگران را از کجا اطمینان داده میتواند ؟ .

أَفْتَمْرُ وَنَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ۱۲

آیا مجادله میکنید با محمد در آنچه دیده است

تفسیر : فرستنده وحی خدا و آورنده آن فرشته ایست که صورت و سیرتش نهایت پاکیزه و تمام قوای فهم و حفظ او کامل است باز آنقدر قریب شده وحی خدا را برساند که پیغمبر او را به چشم خود ببیند ، دل صاف و روشن پیغمبر نیز آنرا تصدیق بنماید آیا حق دارید که در چنین کار آشکار با وی بحث فصول و گفتگوی بیپوده و مناظرها برپا نمائید .
اذ لم تر البهال فسلم * لئلا یبصر

وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ۱۳ عِنْدَ سِدْرَةِ

و بتحقیق دیده بود این فرشته را یکبار دیگر (در حال فرود آمدن) نزد سدره

سکن حین ، نما

الْمُنْتَهَى ۱۴ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى ۱۵ ط

المنتهى

نزد آن است

بهشت

آرامگاه

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد بار دوم جبریل را در شب معراج بالاتر از هفت آسمان جائیکه درخت کنار است بصورت اصلیش دید ، درخت مذکور حدی است در بین پایان و بالا که مردمان پایان بسالان میرسند و افراد بالا پایان فرود نمی آیند - نزدیک آن پیغمبر بهشت را دید .

تنبيه : چنانکه انگور و انار و دیگر نعمای جنت را بر میوهها و نعمت های دنیا نمیتوان قیاس نمود و محض در نام اشتراك دارند درخت کنار آسمان را هم نباید بردرختان کنار قیاس کرد - تنها خدا میداند که آن درخت هم چگونه خواهد بود - بهر حال درخت مذکور بر سرحد عالم بالا و پایان وقوع یافته - اعمال و غیره که ازینطرف صعود میکند و احکام و غیره که از آنطرف نزول می نماید منتهای آن همین درخت است . از مجموعه روایات چنان بر می آید که بیخ آن در آسمان ششم ، فسحت و فراخی آن در آسمان هفتم است و الله اعلم .

إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى ۱۶ ل

(دید فرشته را) وقتی که پوشاننده بود سدره را آنچه پوشاننده بود

تفسیر : انوار و تجلیات حق تعالی آن درخت را فرا گرفته بود و فرشتگان بقدری زیاد در آن موجود بودند که بهر برگ یک فرشته بنظر میامد - در بعض روایات است که «مایغشی» عبارت از پروانه های طلائی بود یعنی نهایت خوش رنگ و خوش شکل که دل تماشائیان را میبرد - در آنوقت منظره و رونق درخت و حسن و جمال آن چنان ترقی داشت که هیچ مخلوق قوه بیان آن را ندارد موافق قول ابن عباس و غیره که دیدار خداوند در معراج نصیب پیغمبر شد شاید بیان آن در ابهام همین آیت منطوی و مندرج باشد زیرا که راجع به آیات ما قبل در احادیث عائشه صدیقه (رض) تصریح است که از آن رویت رب مراد نیست بلکه رویت جبریل مراد است - ابن کثیر از مجاهد که از جمله اصحاب اخص ابن عباس است در تحت همین آیت این الفاظ را نقل کرده است «کان اغصان السدرة لؤلؤ و یاقوتاً و زبرجداً فرأها محمد ورأى ربه بقلبه» (شاخهای سدره از مروارید، یاقوت و زبرجد بود محمد (ص) آنها را به چشم خود دید و رب خود را بدل خود دید) این رویت تنها بذریعه قلب نبود بلکه قلب و بصر هر دو از دیدار پروردگار بهره ور و لذت اندوز بودند چنانکه از «ما زاغ البصر» بر می آید - از همین سبب شاید ابن عباس در بعض روایات طبرانی فرموده که «رأه مرتین مرة بقلبه و مرة ببصره» درین موقع از دوبار دیدن مطلب این است که در یک وقت واحد بدو طریق دید کما قالوا فی حدیث «انشق القمر بمكة مرتین» هم بذریعه چشم ظاهری و هم بذریعه چشم دل اما باید دانست که این رویت آن رویتی نیست که نفسی آن در «لا تدركه الابصار» کرده شده زیرا که غرض از آن نفسی احاطه است یعنی نگاهها او را احاطه کرده نمیتواند

علاوه بر آن چون از ابن عباس پرسیده شد که دعوی رویت مخالف آیت «لأنذر که الابصار» میباشد فرمود «و یحک ذاک اذا تجلی بنوره الذی هونوره» روایت ترمذی. ازین معلوم شد که تجلیات و انوار خداوند قدوس متفاوت است بعضی انوار قاهره للبصر است و بعضی نیست و رویت رب فی الجملة در هر دو درجه صادق می آید و از همین سبب میتوان گفت که درجه رویتی که در آخرت نصیب مؤمنان میشود وقتی است که قوه بینائی ایشان تیزتر و کاملتر ساخته میشود که تا آن تجلی را برداشت کرده بتواند در حالیکه آن چیز در دنیا به هیچکس حاصل نیست بلی یک رویت درجه خاص بر وفق روایت ابن عباس در شب معراج به سیدنا محمد (ص) میسر شد و درین خصوصیت هیچ بشر شریک و سهیم آنحضرت (ص) نیست نیز اگر تفاوت و تنوع همین انوار و تجلیات در نظر گرفته شود میتوان گفت که در اقوال عائشه و ابن عباس (رض) هیچ تعارض نیست - شاید ام المؤمنین (رض) در یک درجه نفی میکند و ابن عباس اثبات آنرا در درجه دیگر مینماید و همینطور در روایات «ابوذر» که «رأیت نوراً» و «نورانی اراه» گفته است تطبیق ممکن است والله سبحانه و تعالی اعلم.

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى ①۷

کج نشد چشم پیغمبر و از حدنگذشت (از مقصد تجاوز نکرد)

تفسیر: آنچه چشم دید بکمال تمکن و اتقان دیدنه نگاه کج شده به چسب و راست انحراف یافت و نه از مبصر (یعنی چیز قابل دیدن) تجاوز نمود فقط چشم بر چیزی دوخته شده بود که نمائش آن مقصود بود - بدر بار پادشاهان چیزیکه نمایش داده میشود ندیدن و بر چیزیکه نمائش داده میشود چشم دوختن هر دو عیب شمرده میشود آنحضرت (ص) ازین هر دو عیب پاک بود.

لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى ①۸

بتحقیق دید بعضی نشانه های بزرگ پروردگار خود را
تفسیر: در فائده «اذیغشی السلوة» بر علاوه آنچه بیان شده - تنها خداوند میداند که دیگر چه چیزها را دیده باشد.
(اکنون کرا دماغ که پرسد ز باغبان * بلبل چه گفت و گل چه شنید و صبا چه کرد)

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى ①۹ وَ مَنْوَةَ

آیا دیدید لات و عزی را و منات

الَّتِي لَثَّةَ الْأُخْرَى ②۰

سومین آخرین را

تفسیر : در مقابل آن خدای صاحب عظمت و جلال لامحدود از نام بردن این چیز های حقیر و ذلیل باید شرم کرد .

تنبیه : «لات» «عزی» «مناة» نامهای بتان مذکرو مؤنث آنهاست - «لات» نزدهالی طایف نهایت معظم بود ، اوس و خزرج و خزاعه «مناة» را احترام میکردند و قریش و بنی کنانه و غیره «عزی» را از هر دو بت مذکور بزرگتر میدانستند نزد قبائل آخر الذکر تقسیم مراتب بدینقرار بود «عزی» که نزدیک مکه در نخله بود در جه اول - «لات» که در طائف بود درجه دوم «مناة» که از مکه بسیار دور و نزدیک مدینه بود درجه سوم یا مرتبه آخرین داشت - این ترتیب را علامه یاقوت در معجم البلدان نقل کرده و نوشته است که قریش در حین طواف کعبه این کلمات را میگفتند «واللات والعزی ومناة الثالثة الاخری هؤلاء الغرائق العلی وان شفاعتین ترتجی» درین موقع در کتب تفسیر قصه نقل کرده اند که طبق اصول جمهور محدثین به درجه صحت نمی رسد اگر واقعاً اصلی دارد شاید همین خواهد بود که آنحضرت (ص) در مجمع مخلوط مسلمانان و کافران این سوره را خواند کفار عادت داشتند که هیاهوی بر پا کرده مردم را نمی گذاشتند که قرآن را بشنوند كما قال تعالی «وقال الذین کفروا لا تسمعوا لهذا القرآن والغوا فيه لعلکم تغلبون» (حم السجده رکوع ۴) .

چون پیغمبر این آیت را خواند شاید کدام شیطان کافر با آواز پیغمبر آواز خود را آمیخته به لهجه پیغمبر کلماتی گفته باشد که بر زبانهای کافران جاری بود «تلك الغرائق العلی الخ» بعد از آن در تعبیر و اداء تصرف وارد شده چیز دیگر پدید آمد - ورنه ظاهر است که شیطان بر زبان نبی اینقدر تسلط یافته نمیتواند - و ابطال چیزیکه در آینده میشود تمجید و تحسین آن معنی ندارد ؟ .

أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَى ۲۱

آیا شما یافتید پسران و اوراست دختران

تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَى ۲۲

این قسمت آنگاه قسمت ظالمانه است

تفسیر : یاقوت در معجم البلدان نوشته است که کفار این بتان را دختران خدا میخواندند مگر از همه اول خدای متعال «لم یلد ولم یولد» است و فرضاً اگر نظریه اولاد تسلیم کرده شود باز هم این تقسیم چقدر بیهوده و مهمل است که خود شما پسران را پسند کنید و حصه خدا را از دختران مقرر نمائید (العیاذ بالله) .

إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ

نیستند آنها مگر نامهای چند که نهاده اید آنها را شما

وَابَاءُكُمْ مَّا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ ط

و پدران شما نازل نکرده الله به ثبوت آن هیچ سند
تفسیر : بسنگها و درختان بعض نامهانها اند که در خدائی آنها سندی موجود نیست
بلکه بسا دلائل بر خلاف آن قائم است آنها را به خیال خود خواه دختران بگوئید و یا
پسران و یاجیز دیگر محض يك قول است که هیچ حقیقت و اصل ندارد .

إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ ج

پیروی نمیکنند مگر وهم فاسدرا و آنچه را که خواهش میکند نفسهای شان

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدٰى ط

و به تحقیق آمده است بایشان از پروردگارایشان راه دانش

تفسیر : باوجود آنکه از طرف خدا روشنی هدایت برای شان رسید و او تعالی راه راست
را نشان داد مگر این بیخردان در تاریکی همان اوهام و اهوای قدیمی خود گرفتارند هر
چندس و قیاسی که بذهن آنها خطور کرد و در دل شان آرزویی پدید آمد آنرا اجراء کردند
و براه تحقیق و بصیرت سرو کاری ندارند .

أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَهَيَّبُهَا ز

آیا میسر میشود انسانرا آنچه آرزو میکند؟ پس الله راست نیکوئی آن جهان

وَالْأُولٰٓئِىٓ ع

و این جهان

تفسیر : می پندارند که ایسن بتان به شفاعت ایشان خواهد پرداخت اما این محض
خیالات و آرزوهاست - آیا ممکن است که انسان قرار خواهش خود هر چیز را بیابد
باید دانست که تمام نیکی دنیا و آخرت تنها بدست خداست - حضرت شاه صاحب (رح)
می نویسد «یعنی از پرستش بتان چیزی بدست نمی آید بدانید همان چیز بدست می آید
که خداوند ارزانی فرماید .»

وَكَمْ مِنْ مَّلَكٍ فِي السَّمٰوٰتِ لَا تُغْنِي

و بسیار فرشته است در آسمانها نفع نمیکنند

شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ

شفاعت ایشان چیزی مگر بعد از آنکه حکم دهد

اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى ﴿٢٦﴾

الله برای کسیکه بخواهد خدا و پسند کند

تفسیر: این بتان چه حیثیت دارند بلکه شفاعت فرشتگان مقرب هم که در آسمان سکونت دارند هیچ بکار نمی آید البتة در موقعیکه خود الله در حق کسی حکم شفاعت بدهد و از او راضی باشد بیشک شفاعت کار خواهد کرد بر ظاهر است که او تعالی نه بتان را حکم شفاعت داده نه از کفار را ضی است.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ

(بتحقیق) آنانکه ایمان نمی آرند به آخرت

لَيْسُوا مِنَ الْمَلَائِكَةِ تَسْبِيَةً الْأُنثَى ﴿٢٧﴾

(هر آینه) مینامند ملائکه را بنام زنان

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ

و نیست ایشان را باین (گفته خود) هیچ علم پیروی نمیکنند مگر وهم را

وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا ﴿٢٨﴾

و بدرستیکه وهم نفع نمیدهد از شناخت حقیقت چیزی

تفسیر: کسانیکه به آخرت یقین ندارند از مجازات بی پروا و بی فکر شده مرتکب چنی گستاخی هامیشوند مثلاً فرشتگان را مؤنث قرار داد. آنها را دختران خدا خواندند این محض جهالت است آری فرشتگان را به زن و مرد بودن - خدا را به اولاد چه کار اگر مقصد شان قائم بودن بر سخن راست و درست باشد ازین حدسیات و قیاسات و اوهام پادرها کار گرفته نمی شود و آیا تخمینات و حدسیات در عوض حقائق ثابتة کار داده میشوند؟

فَاعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى ۙ عَنْ ذِكْرِنَا

پس اعراض کن از کسیکه روگردانید از ذکر ما

وَلَمْ يَرْدُ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۗ ذَٰلِكَ

و طلب نکرد مگر زندگانی دنیا را این است (طلب دنیا)

مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ ۗ

رسیدن ایشان از علم

تفسیر: مال و آرزوی کسیکه همین زندگی چند روزه دنیا باشد که در آن منہمک و غرق شده خدا (ج) و آخرت را کاهی به فکر خود نیاورد از هزلیات و یاوه گوئی او غمناک مشو شخصی که از خدا رو میگرداند تو از طرف شرارت - کجروی او رو بگردان تو ارشاد و تلقین خود را به گوش آنها رساندی - از چنین اشخاص بد طینت توقع قبول حق را داشتن و در غم آنها خود را گداختن بی فائده است - ادراک و فهم آنها فقط به نفع و نقصان فوری همین دنیا میرسد زیاده ازین رسیدگی ندارد - آنها چه میدانند که بعد از مردن در عدالت مالک حقیقی حاضر شدن و از هر ذره اعمال حساب دادن دارند کل جدوجهد علمی آنها محض مانند بهائیم برای پر کردن شکم و تسکین شهوت است .

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۙ

به تحقیق که رب تو او داناتر است به کسیکه گمراه شده از راه او

وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَى ۗ

و او داناتر است بکسیکه راه یافته

تفسیر: کسیکه در گمراهی و کسیکه بر راه راست است همه را با استعداد های مخفی ایشان الله تعالی میداند و مطابق همین عام بوقوع می آید . اگر هزار کوشش کنی در هرگز برخلاف علم ازلی خدا واقع نمیشود - نیز او تعالی قرار علم محیط خود با هر یکی مناسب احوال او معامله حقانی و درست خواهد کرد - لهذا خودت یکطرف شو و معامله این معاندین را بخدا (ج) بسپار .

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ

و مرالله راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا

قرار عملشان

بدی کردند

آنانرا که

تا جزاء دهد

وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ

پاداش نیک (جنت)

نیگونی کردند

آنانرا که

و جزاء دهد

تفسیر: وقتیکه حال هر شخص باو معلوم و آسمان وزمین در تصرف اوست پس چه چیز او را مانع پاداش دادن نیک و بد می شود. بلکه اگر بغور و دقت مطالعه کنید تمام این کارخانه زمین و آسمان را محض از آن سبب پیدا کرده که در نتیجه آن یک سلسله زندگی فنا ناپذیر دیگر قائم شود که در آنجا به بدان مجازات بدی و به نیکان مکافات نیکی داده شود.

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْأَثْمِ

از گناهای کبیره

پرهیز میکنند

آنانند که

وَالْفَوَّاحِشِ إِلَّا اللَّمَمَ

لیکن از اندک آلودگی (گناه صغیره)

و از کارهای بی حیائی

تفسیر: فرق گناه صغیره و کبیره در تفسیر سوره «النساء» تفصیلاً بیان شده. در تفسیر «لم» چندین قول است بعضی گفته عبارت از خطرات گناهی است که در دل خطور کند و عملی نشود. و بعضی از آن گناه صغیره مراد گرفته است و بعضی گفته مراد از گناهی است که شخص بر آن اصرار نکند و یا آنرا عادت خود نگرداند و یا مراد از گناهی است که از آن توبه کند نزدما بهترین تفسیر همان است که مترجم محقق (رح) در فوائد سوره النساء نگاشته است لیکن درین ترجمه معانی دیگر هم گنجایش دارد.

إِنَّ رَبَّكَ وَسِعَ الْمَغْفِرَةَ

گنجایش زیاد است

بتحقیق در آموزش پروردگارتو

تفسیر: از همین سبب بسا گناهان کوچک و بزرگ را معاف میکند و توبه را قبول مینماید، تمیگذازد که گنهگار مایوس شود. اگر بر هر خطای کوچک و بزرگ مواخذه نماید بنده راهیچ پناهگاهی میسر نگردد.

هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ

او داناتراست باحوال شما و قتیکه پیدا کرد شمارا از زمین

وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ

و قتیکه شما جنین بودید در شکمهای مادران خود

فَلَا تَزْكُوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى

پس ستایش مکنید نفسهای خود را او داناتراست بکسیکه پرهیزگاری کرد

تفسیر: اگر الله تعالی بشما توفیق تقوی بخشود لاف مزیند و خود را بسیار بزرگ معرفی مکنید او تعالی بزرگی و پاکبازی هر کس را خوب میداند بلکه از وقتی میداند که هنوز درد اثره هستی قدم نگذاشته بودید. انسان باید اصل خود را فراموش نکند - ابتدای او از خاک بود سپس در ظلمات بطن مادر به خون ناباک پرورش یافت - بعد از آن دچار چندین ضعف جسمانی و روحانی دیگر شد - اگر باز الله تعالی به فضل و مرحمت خویش او را در آخر به مقام بلند رسانید او حق ندارد که اینقدر لاف زند و دعاوی بزرگی کند کسانیکه واقعا پرهیزگار اند از اظهار دعاوی بزرگی و خوبی خود شرم میکنند و خوب میفهمند که هنوز هم گرفتار ضعف اند زیرا بطور کامل بیرون شدن از ضعف خارج از حد بشر است. خواه مخواه مقداری از آلائش به همه عائد میشود « مگر کسی را که خداوند نگهدارد ».

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى

آیادیدی کسی را که روی گردانیده

تفسیر: اصل خود را فراموش کرده از جانب خالق و مالک حقیقی خود روگردانید.

وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى

و داد اندکی و سخت دل شد

تفسیر: حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد « اندکی بطرف ایمان مایل شد سپس دلش سخت گردید » مجاهد و غیره میگویند که این آیات درباره ولید بن مغیره نازل شده که از شنیدن سخنان آنحضرت (ص) بک اندازه باسلام رغبت پیدا کرده بود

واذ خوف سزای کفر نزدیک بود که به اسلام مشرف شود - کافری باو گفت «اسلام را قبول مکن من تمام جرائم ترا بر دوش خود میگیرم از طرف تو مجازات را متحمل میشوم بشرطیکه اینقدر مال بمن بدهی، ولید و عده کرد و چند قسط مقرر را تادیه و از مابقی انکار نمود سدرین صورت تفسیر «واعطی قلیلا واکدی» این خواهد بود که «یک مقدار پول را برداخت و بعد از آن دست کشید».

أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهَوْا يَرَى ۝۳۵

آیا نزد اوست علم غیب پس او ببیند

تفسیر: آیا این کس غیب را دیده آمده است که در آینده مجازات کفر باو داده نمیشود و دیگری را عوض داده خود را خلاص میکند.

أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى ۝۳۶

آیا خبر داده نشده باو به آنچه در صحیفه های موسی

وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَى ۝۳۷

و (صحیفه های) ابراهیم وفادار بود

تفسیر: ابراهیم (ع) قول و قرار و عهد و پیمان خود را به طریق نیکو ایفاء نمود و حقوق خداوند را کماحقه ادا کرد و در تعمیم احکام یک ذره تقصیر نورزید.

الْأَنْزُرُ وَانزُرَهُ وَزُرْ أَخْرَى ۝۳۸

که بر نمیدارد هیچ بردارنده بار شخص دیگری را

تفسیر: صحیفه های موسی و ابراهیم علیهما السلام مشتمل این مضمون بود که بحضور خدای تعالی هیچ مجرم بار دیگر را برداشته نمی تواند هر کس مسئول عمل خود میباشد.

وَأَنَّ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ۝۳۹

و اینکه نیست انسانرا مگر آنچه سعی کرده است

تفسیر: یعنی انسان هر چیزی را که بکوشش خود بدست می آورد همانقدر از اوست چنان نمیشود که نیکی های دیگری را بستاند آری اگر شخصی بخوشی خود بعض حقوق خود را بدیگری بدهد و خداوند آنرا منظور فرماید چیزیست جداگانه - تفصیل آنرا از حدیث وفقه میتوان معلوم کرد.

وَأَنْ سَعِيَهُ سَوْفَ يَرَى ۝۴۰ نَمَّ يَجْزِيهِ

و اینکه سعی او زود نشان داده میشود باز جزاء داده میشود او را

الْجَزَاءَ الْأَوْفَى ۝۴۱

جزای کامل تفسیر : سعی و کوشش هر کس پیش رویش نهاده و پاداش کامل باو داده میشود .

وَأَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى ۝۴۲

و اینکه بسوی پروردگارتست بازگشت

تفسیر : تمام علوم و افکار و سلسله موجودات - فقط باو تعالی ختم میشود و آخر الامر همه مردم بحضور او تعالی رسیدنی هستند مگر کس از همین مرجع پاداش نیکی و بدی خود را خواهد یافت .

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى ۝۴۳ وَأَنَّهُ هُوَ

و اینکه او (تعالی) همون است که میخنداند و میگریاند و اینکه خاص او

أَمَاتَ وَأَحْيَى ۝۴۴ وَأَنَّهُ خَلَقَ الزُّوجَيْنِ

مییراند و زنده میگرداند و اینکه او آفرید و جفت

الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ۝۴۵

تفسیر : تمام کیفیات متضاد و متقابل را درین جهان خاص همان ذات پیدا کرده است خالق خیر و شر تنها اوست فرستادن خوشی و غم ، خندانیدن ، گریانیدن ، میرانیدن زنده ساختن و بعضی را نر و بعضی را ماده آفریدن فقط کار اوست .

مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تَمْنَى ۝۴۶ وَأَنْ عَلَيْهِ

از نطفه وقتیکه ریختانده شود (در رحم) و اینکه بر خداست

النَّشْأَةُ الْآخِرَى ۞

دیگر

آفریدن

تفسیر : ذاتیکه از يك قطره آب سرומاده را آفرید برای او دوباره آفریدن چه اشکال دارد ؟ (ضمناً بذکر يك پیدایش برپیدایش دیگر مثنبه ساخت .)

وَ أَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ ۞

و اینکه او (تعالی) توانگر ساخت و خزانه داد

تفسیر : یعنی مال ، سرمایه ، خزانه و جایداد ها همه بخشایش اوست ، بعضی «اقتنی» را به معنی «افقر» گرفته اند یعنی او کسی را غنی و کسی را فقیر ساخته است این معنی با سیاق اول مناسب معلوم میشود زیرا که ذکر چیزهای متقابل در بین بوده و اگر مطلب اولی گرفته شود باید مقابل آن اهلاک آورده میشود که ذکر آن بعدها می آید - یعنی بعد از اینکه خزانه ها و مال و دولت میدهد همان ذات اقدس در آن می افزاید و هموست که بسا قومهای دولتمند و قوی را هم پیدا و هم تباه و برباد میکند .

وَ أَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَى ۞

و اینکه خاص اوست پروردگار شعری

تفسیر : «شعری» يك ستاره بسیار کلان است که بعضی عرب آنرا می پرستیدند و چنان می پنداشتند که این ستاره در احوال عالم تاثیر زیادی دارد - درین موقع خاطر نشان فرمود که رب «شعری» هم فقط خداوند است تمام تصریفات - تغییرات و انقلابات در دست قدرت اوست این «شعری» عاجز هم تابع حکم خالق و مالک خود است و هیچ تاثیر مستقل از خود ندارد .

وَ أَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ ۞

و آنکه او هلاک کرده عاد نخستین را

تفسیر : یعنی قوم حضرت هود (ع) را .

وَنُوحًا إِذْ أَوْفَىٰ مِنَّا ۖ وَ قَوْمًا نُّوحٍ مِّنْ قَبْلُ ۖ

و نوح را پس باقی نگذاشت هیچکس را و هلاک کرده قوم نوح را پیش از آن

إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَى ٥٢

(هر آئینه) ایشان بودند

ظالم تر و سرکش تر
تفسیر: صدها سال به پیغمبر خدا یعنی نوح (ع) ایذاهای شدید رسانیدند و برای آیندگان و اخلاف راه زبون و دستورزشت گذاشتند.

وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى ٥٣ فَغَشَّهَا مَا غَشَّى ٥٤

و قریه‌های مؤتفکه (واژگون) را بیفتگند

پس بپوشانید آنرا آنچه پوشانید

تفسیر: یعنی بباران سنگها بپوشانید (این ذکر است از دهکدهای قوم لوط (ع)).

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تُتَّهَرَى ٥٥

پس بکدام يك از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنی

تفسیر: چنین ظالمان مفسد و با غیان شریر را تباه کردن نیز اتمام بسیار بزرگ خداوند است - پس باینکه انسان چنین نعمتهارا می بیند: آیا سزاوار است که رب خود را تکذیب کند.

هَذَا نَذِيرٌ ٥٦ مِّنَ النَّذِيرِ الْأُولَى

این ترساننده است از جمله ترسانندگان پیشین

تفسیر: حضرت محمد (ص) مجرمان را از سرانجام بد همانطور میترسانند که پیش از او انبیای دیگر مردم را ترسانیده اند.

أَزِفَتِ الْأَازِفَةُ ٥٧ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ

نزدیک شد نزدیک شونده (قیامت) نیست مراورا بجز

اللَّهِ كَا شِفَاةٍ ٥٨

الله هیچ ظاهر کننده

تفسیر: قیامت خیلی نزدیک رسیده است و وقت صحیح وقوع آنرا بدون خداوند هیچکس بطور واضح و معین نمیداند و چون وقت معین آن برسد هیچ قوت آنرا باز داشته نمیتواند - تنها اگر خداوند بخواهد البته آنرا باز خواهد داشت مگر او تعالی چنین نمیکند.

أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ۝۵۹ وَتَضْحَكُونَ

ایا ازین سخن تعجب میکنید و میخندید

وَلَا تَبْكُونَ ۝۶۰ وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ ۝۶۱

و گریه نمیکنید و شما بازی کننده گانید

تفسیر : وقتیکه بیان قیامت و قرب آنرا شنیده بودید مبیایستج که از خوف خدا میگریستید و مضطرب شده برای خلاصی خود آمادگی میکردید مگر شما بر خلاف آن تعجب میکنید و میخندید و غافل و بی فکر گردیده بازی میکنید .

ع ۲
(السنجس)

فَا سُجِدْ وَ لِلّٰهِ وَ اَعْبُدْ وَ ا ۝۶۲

پس سجده کنید و خاص الله را و بندگی کنید

تفسیر : عاقل رانمی زبید که از سرانجام غافل شده بر سخنان پند و نصیحت بخندد و تمسخر نماید بلکه لازم است که راه بندگی را اختیار کند و مطیع و منقاد شده بحضور خداوند چهار جبین نیاز خم کند .

تنبیه : در روایات است که آنحضرت (ص) سوره نجم را تلاوت کرده سجده نمود و تمام مسلمانان و مشرکان که حاضر بودند به سجده افتادند - حضرت شاه ولی الله قدس سره مینویسد که «در آنوقت همه را غاشیه الهیه فرا گرفته بود - گویا بیک تصرف غیبی و قهری همگنان طوعاً و کرهاً سر بسجود افتادند مگر يك بدبخت (امیه بن خلف) که بردل وی مهر سخت زده شده بود سجده نکرد و با وجود آن کمی خاک از زمین برداشته و بر پیشانی خود مالید و گفت که مرا همین قدر کافی است .»
(تمت سورة النجم و لله الحمد و المنة)

(سورة القمر مكية وهي خمس وخمسون آية وثلاث ركوعات)
(سورة القمر مکی و آن پنجاه و پنج آیت و سه رکوع است)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

آغاز میکنم نام خدا بلی انرازه بقرآن نهایت با رحم است

إِ قْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انشَقَّ الْقَمَرُ ۝۱

نزدیک شد قیامت و پاره شد ماه

تفسیر : پیش از هجرت رسول کریم (ص) در منی تشریف داشتند و يك جمعیت كفار نیز در آنجا موجود بود آنها از آنحضرت (ص) معجزه خواستند - پیغمبر فرمود بسوی آسمان بنگرید ، ناگهان ماه شق شده دوپاره شد پاره بسوی مغرب و پاره دیگر بسوی مشرق رفت دربین ، کوهی حائل بود. وقتیکه تمام آنها این معجزه را بخوبی دیدند هر دو پاره باز گشته باهم پیوست کفار گفتند که «محمد بر ما و یابر قمر جادو کرده است» این معجزه را «شق القمر» میگویند و این يك نمونه و نشانی بود از قیامت یعنی بروز قیامت هر چیز همین طور ازهم می شکافد - طحاری و ابن کثیر و غیره مدعی تواتر این واقعه اند تا به امروز به هیچ دلیل عقلی محال بودن چنین واقعات ثابت نشده است و محض به استبعاد چنین چیزهای قطعی الثبوت را نمیتوان رد نمود بلکه استبعاد برای اعجاز لازم است - واقعات عادی روزمره را کدام کس «معجزه» خواهد خواند؟ (اگر کسی خواهش داشته باشد مضمون مستقل ما را که راجع به معجزات و خوارق عادت در مجله «المحمود» شائع شده است مطالعه فرماید) باقی این سوال که اگر «شق القمر» بوقوع پیوسته باشد چرا در تواریخ این واقعه نگاشته نشده جواب اینکه این بوقت شب واقع شده بود شاید سبب اختلاف مطالع در بعضی ممالک در آنوقت روز بوده باشد و در بعضی مقامات نیم شب بوده باشد و عموماً مردم خواب رفته باشند در جاهائیکه مردم بیدار بودند وزیر آسمان صاف نشسته باشند عادت ضروری نیست که مردم همه بسوی آسمان نگران باشند در مهتابی که بر سطح زمین منتشر باشد بشرطیکه مطلع صاف باشد از سبب دونیم شدن منبع در روشنی فرقی پدید نمی آید - بر علاوه این واقعه تا یک مدت قلیل دوام کرد مامی بینیم که بارها خسوف واقع میشود و مدتی دوام میداشته باشد باوجود آن لکها انسانها از آن آگاه نمیشوند و نیز در آن عصر مانند امروز رصد گاهها و غیره چنان انتظامات مکمل و وسیع را دارا نبود و تقویم هم اینقدر اشاعت نداشت - بهرحال اگر در تواریخ ذکر این واقعه نیامده نمیتوان آنرا تکذیب نمود - باینهمه در بعضی تواریخ مثل تاریخ «فرشته» ذکر آن موجود است سبب اسلام آوردن مهاراجه «مالیبار» را در هندوستان همین واقعه مینویسند.

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا

و اگر بینند کافران نشانی روی میگردانند و میگویند

سِحْرٌ مُّسْتَهْرَبٌ ﴿٢﴾

جادوی دائمی است

تفسیر : یعنی میگفتند چنین جادو هارا مدعیان نبوت بیشتر هم اجرا کرده اند پس چنانکه آنها رفتند این هم خواهد گذشت.

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

و تکذیب کردند (پیغمبر را) و پیروی کردند خواهشهای خود را

وَكُلُّكُمْ أَمْرٌ مُّسْتَقَرٌّ ۝۳

و هر کاری مستقر بوقت خود است

تفسیر : عذاب آنها هم بوقت خود خواهد آمد و آن گمراهی و هلاکتیکه در علم محیط الله مقرر شده است بهیچ صورت منع شدنی نیست .

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ۝۴

و (بتحقیق) آمده به ایشان از خبرهای پیشینیان آنچه در آن زجر (پند) است

تفسیر : بذریعه قرآن هر نوع احوال و واقعات اقوام هلاک شده بیان شده که اگر در آن غور و تفکر نمایند از طرف خداوند قهار يك زجر و پند بزرگ است .

حِكْمَةٌ بِاللِّغَةِ فَمَا تُغْنِ الْنُّذُرَ ۝۵ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ مَأْمُورٌ ۝۶

(آمده است) حکمت بالغه پس فائده نمیدهد ایشان را ترسانندگان پس اعراض کن از ایشان
تفسیر : قرآن کریم يك مجموعه حکمت و موافق عقل سلیم است - اگر کسی يك ذره به نیک نیتی توجه کند البته درد او جایگیر میشود - مگر افسوس باینجه سامان هدایت هیچ تأثیری برای شان پیدا نمیشود - هیچ پند و نصیحت درد این اشخاص کار نمی کند لهذا توهم از چنین بدبختان سنگدل صرف نظر کن - فرص تبلیغ و وظیفه دعوت را با سلوب نیکو ادا نمودی اکنون احتیاج به تعقیب زیاد نیست بگذار شان که بسوی نشیمن مقرر خود روان باشند .

يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ ۝۶

روزی که دعوت کند دعوت کننده بچیزی ناگوار

تفسیر : یعنی بسوی میدان برای حساب دادن .

خُشَعًا أَبْصَارُهُمْ

در حالی که پایان (ذلیل) باشد چشمهای ایشان
تفسیر : در آنوقت بسبب خوف و هیبت باذلت و ندامت چشمهای شان پایان میباشد .

يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَمَا نَهَمُّ

می برآیند از قبرها گویا ایشان

جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ ۷ مَهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ ۸

ملخهای پراکنده اند

شتاب کنندگان بسوی

آزدعوت کننده

تفسیر: تمام گذشتگان و آیندگان از قبرها برآمده چون خیل ملخ پراکنده میشوند و برای پیش شدن در عدالت خداوند قدوس بشتاب میدوند.

يَقُولُ الْكٰفِرُونَ هٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ۸

میگویند

منکران

این روزیست سخت

تفسیر: اوضاع و شدائد هولناک آنروزرا مشاهده کرده و جراثیم خودرا در نظر آورده گویند «روز بسیار سخت آمده آیا برماچه خواهد گذشت» در آیات مابعد خاطر نشان می نماید که عذاب قیامت و آخرت بوقت خود رسیدنی است لیکن پیش از آن بر بسیاری مکذبین در دنیا نیز روز سخت آمده است.

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا

تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح پس تکذیب کردند

عَبْدًا نَارًا قَالُوا مَجْنُونٌ وَّازْدُجِرَ ۹

بنده نارا و گفتند دیوانه است و تهدید کرده شد (بنده ما)

تفسیر: گفتند «ای نوح اگر ازین سخنان خود بازنمایی تراستگسار خواهیم کرد» گویا سخن او را به غلغله تهدید نیست و نابود میکردند - و بعضی «وازدجر» را چنان معنی کرده اند که می گفتند «این شخص دیوانه و آسیب رسیده است جنبها عقل او را ربوده اند». (العیاذ بالله).

فَدَاعَا رَبَّهُ اِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ ۱۰

پس دعا کرد رب خودرا که من مغلوب شده ام پس انتقام بگیر

تفسیر: یعنی چون بفهمانیدن صد هاسال هیچیکی از آنها نرم و مائل به دین نشد حضرت نوح (ع) دعای بد کرد و گفت «ای پروردگارا! من عاجز و ناچار شدم هیچ ندبیر هدایت و تفهیم کارگر نشد اکنون خودت انتقام دین و پیغمبر خودرا بگیر و بر روی زمین هیچ کافر را زنده مگذار»

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَرٍ ۱۱

پس کشودیم درهای آسمان را به آب بسیار ویزان

وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْهَاءُ

و جاری کردیم از زمین چشم‌ها پس یکجا شدند آبها

عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ ۝۱۲

بنابر امری که مقدر شده بود

تفسیر: باران چنان باریدن گرفت که گویا دروازه‌های آسمان باز شد و از پایان بردهای زمین از هم گسسته آنقدر آب فوران نمود که گویا تمام زمین مجموعه چشمه‌ها گردید سپس این تمام آب فوقانی و تحتانی یکجا شده برای کاری بهم پیوست که از حضور الله بیشتر مقرر شده بود یعنی هلاکت و غرق شدن قوم نوح.

وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ الْأَوَّاحِ وَدُ سُرٍ ۝۱۳

و برداشتیم او (نوح) را بر کشتی دارای تخته‌ها و میخها

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا

میرفت پیش نظر ما

تفسیر: در آن حال طوفان هولناک - کشتی نوح در نظر و حفاظت ما به کمال امن و اطمینان شنا میکرد.

جَزَاءُ لِمَنْ كَانَ كُفِرًا ۝۱۴

جبهه انتقام کسیکه بی‌قدری او کرده شده بود

تفسیر: حضرت نوح (ع) را قدر نکردند و از سخنان الله انکار ورزیدند - این بود مجازات این عمل.

وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مَدَّ كِرٍ ۝۱۵

و (بتحقیق) گذاشتیم این را نشانه پس آیا هیچ پندگیرنده هست؟

تفسیر: برای اشخاص مدبر و متفکر درین واقعه نشانیهای عبرت است - و یا مغلوب این است که وجود کشتیهای امروزی در دنیا واقعه آن کشتی را یاد آوری میکند و نشانه قدرت بزرگ الله تعالی می‌باشد و بعضی گفته اند که همان کشتی نوح است که بعد از نوح (ع) تا مدت درازی باقی مانده بود و برکوه «جودی» به نظر می‌آمد بعضی افراد اوائل این امت هم آنرا دیده‌اند والله اعلم.

فَكَيْفَ كَانَتْ عَذَابِي وَنُذُرِي ①۶

پس چگونه بود عذاب و ترسانیدنهای من
تفسیر : دیدند که عذاب من چقدر هولناک و ترسانیدن من چقدر راست است .

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ①۷

و (بدرستی که) آسان گردانیدیم قرآن را برای فهمیدن (پند گرفتن) پس آیا هیچ پند پذیرنده هست؟
تفسیر : پند گرفتن از قرآن بالکل آسان است زیرا مضامین مربوط به ترغیب و ترهیب و انذار و تبشیر آن بکلی صاف و سهل و مؤثر است - پس کسی که اراده فهمیدن را کند می فهمد .

تنبیه : مطلب آیت این نیست که قرآن محض یک کتاب سطحی است و یکسر از دقائق و غوامض خالی است - در باب کلام علیم و خبیر چگونه چنین گمان میتوان کرد ؟ آیا میتوان فرض نمود که چون الله با بندگان خود کلام می کند (معاذ الله) از علوم غیر متناهی خود بکلی تهی میگردد؟ شك نیست که کلاموی آنقدر دارای حقائق عمیق و نکات دقیق است که در کلام دیگری جستجوی آن کاریست بیهوده - ازینجاست که در حدیث آمده است «لاتنقضی عجائبه» (عجائب و اسرار قرآن گاهی ختم شدنی نیست) - علمای امت و حکمای ملت در کشف دقائق و اسرار این کتاب و در استنباط و استخراج هزار ها احکام عمر های خود را صرف کردند باز هم به کنه و عمق آن رسیده نتوانستند .

كَذَّبَتْ قَوْمُ عَادٍ فَكَيْفَ كَانَتْ عَذَابِي وَنُذُرِي ①۸

تکذیب کردند قوم عاد پس چگونه بود عذاب و ترسانیدنهای من

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي

(هر آئینه) فرستادیم برایشان باد تند در

يَوْمٍ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ ①۹

روز نحسی که شومی آن تا از بین بردن آنها مستمر بود

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد «نحوست رفع نشد تا آنکه کار شان را به پایان رسانید و ختم شدند و این روز نحوست نه جاودانی بلکه تنها برای انداختن هستی ایشان بود» جاهلان می پندارند که آن روز ها همیشه منحوس است اگر آن روز بنا بر ورود عذاب همیشه منحوس گردیده است روز مبارك باقی نمی ماند - در قرآن کریم تصریح شده است که عذاب مذکور هفت شب و هشت روز مسلسل جریان داشت - اکنون نشان بدهید که در روزهای هفته کدام یکی از نحوست خالی می ماند .

تَنْزِعُ النَّاسَ لَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ ﴿٢٠﴾

از بیخ برکنده میکشست مردم را گویاییشان بیخهای خرماي برکنده شده اند

تفسیر: افراد قوم عاد خیلی تنومند، بلند قد و قوی هیکل بودند لیکن طوفان باد آنها را طوری برداشته بر زمین زد که که تنه درخت خرما از بیخ کنده شده بر زمین افکنده شود.

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِي ﴿٢١﴾ وَلَقَدْ

پس چگونه بود عقوبت و ترسانیدنهای من (و بتحقیق)

يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَكَ مِنْ

آسان گردانیدیم قرآنرا برای پند گرفتن آيا هیچ

مُدَّ كَرِيحًا ﴿٢٢﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطُغْيَانِهِ وَاتَّبَعَتْ

پند پذیرنده هست؟ تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگانرا

تفسیر: حضرت صالح (ع) را تکذیب کردند تکذیب يك پیغمبر عیناً تکذیب کل انبیاء است زیرا که در اصول دین همه مصدق یکدیگرند.

فَقَالُوا أَبَشْرًا مِّنَّا وَاجِدًا نَّتَّبِعُهُ لَآ

پس گفتند آيا يك آدم از قوم خودرا نیروی کنیم

إِنَّا إِذَا لَفِيَ الضَّالِّ وَ سَعُرٍ ﴿٢٣﴾

(هر آئینه) ما آنگاه در همراهی و دیوانگی باشیم

تفسیر: فرشته آسمانی نیست بلکه مانند ما يك بشر است و علاوه بر آن تنها است که هیچ قوت و جمعیتی ندارد میخواهد که ما را مغلوب و تابع خود بسازد - گاهی چنین نمی شود - منتهای جنون و حماقت ما خواهد بود که گرفتار دام تبلیغ او گردیم - او ما را میترساند که «اگر مرا قبول نکردید در آتش خواهید افتاد - حالانکه واقعه بر عکس است چه اگر ما تابع او شویم گویا خود را در آتش می افکنیم» .

ءَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا

آیا نازل کرده شد نصیحت بروی از میان ما (نی)

بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرُّ ۲۵

بلکه او بسیار دروغگوی متکبر است

تفسیر: آیا تنها این کس برای پیغمبری مانده بود؟ این همه دروغ است - یقین است که لاف میزند که خدا مرا رسول خود ساخته است و تمام قوم را برای اطاعت و متابعت من حکم داده است.

سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَنِ الْكَذَّابُ الْأَشِرُّ ۲۶

زود میدانند فردا کیست دروغگوی متکبر

تفسیر: بسیار بزودی معلوم میشود که از همین هر دو فریق کدام کس دروغگو و لافزن است.

نَا مُرْسِلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ

فرستنده ایم ناقه را جبهه آزمایش برای ایشان

تفسیر: فرار خواهش آنها ما از سنگ شتر ماده را می برآریم و به آنها میفرستیم - بذریعه آن آزموده میشود که کدام کس از آنها سخن الله و رسول را باور میکند و کدام کس بر خواهش نفس خود روان میباشد.

فَا رَتِّبْهُمْ وَاصْطَبِرْ ۲۷

پس (ای صالح ع) منتظر ایشان باش و صبر کن

تفسیر: یعنی صبر کن که نتیجه چه میشود.

وَ نَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ

و خبردار کن ایشانرا که آب مقسوم است در میان ایشان

كُلُّ شَرِبٍ ۲۸

هر حصه از آب حاضر گردانیده شده

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد «آن شترماده بهر آبی که میرفت همه جانوران میرمیدند و می گسریختند الله تعالی نوبت مقرر فرمود که يك روز او برود و روز دیگر جانوران دیگر آب بنوشند» .

فَنَادُوا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاظَى فَعَقَرُوا ۲۹

پس آواز دادند رفیق خود را پس دست درازی کرد و بی کرد (ناقه را)

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد «زن بدکاری که يك تعداد مواشی داشت يك رفیق خود را تحریک کرد که شترماده را بکشد آن مرد شتر را پی کرد» .

فَكَيْفَ كَانَتْ عَذَابِي وَ نَذِيرِ ۳۰

پس چگونه بود عقوبت و ترسانیدنهای من

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَ أَجْدَةً ۳۱

(هر آئینه) ما فرستادیم برایشان يك نعره

فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ ۳۲

پس شدند مانند گیاه درهم شکسته

تفسیر : فرشته يك نعره هیبت ناک زد دلهای مردم کفید و مردمان چنان از هم پاشیدند مانند اینکه بدور مزرعه احاطه از خار بسازند و چون روزی چند بر آن بگذرد پا یمال گردیده از هم بیاشد و از بین برود .

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ

(و) بتحقیق آسان گردانیدیم قرآن را برای پند گرفتن پس آیا هست هیچ

مُدِّ كَرِهٍ ۳۳ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِآلِ لُوطِ ۳۴

پند گیرنده تکذیب کردند قوم لوط ترسانندگان را

تفسیر : یعنی حضرت لوط (ع) را تکذیب کردند نه لوط را بلکه تمام پیغمبران رادروغ پنداشتند زیرا تکذیب هر يك از پیغمبران تکذیب سایر انبیاست علیهم السلام .

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ ^ط

(هر آئینه) ما فرستادیم برایشان باد سنگباراننده مگر غیر اهل خانه لوط

نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ ^{لا} ^{۳۴} نِعْمَةٌ ^س مِّنْ عِنْدِنَا ^ط

نجات دادیم ایشانرا در آخر شب به فضل از نزد خود

كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ ^{۳۵}

همچنین جزا میدهیم هر که حق را قبول کند

تفسیر: او در آخر شب با تمام اهل خانه خود نجات یافت و نگذاشتیم که یک ذره عذاب برایشان برسد - همین است عادت ما و بندگان حق شناس و شکر گذار را چنین مکافات میدهیم.

وَلَقَدْ آتَيْنَاهُم بَطْشًا فَنَقَّبُوا لَهَا لُؤْلُؤًا ^{۳۶}

(و به تحقیق) ترسانده بود ایشانرا (لوط) از مواخذه ما پس شك کردند به ترسانندگان

تفسیر: در سخنان او شبها تریس بوده نموده به تکذیب پرداختند.

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا ^{۳۷}

و (به تحقیق) خواستند بگیرند از او سهمنان او را پس محو کردیم

أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي ^{۳۷} وَنُدُّوهُ ^{۳۷}

چشمان ایشانرا پس (گفتیم بایشان) بچشید عذاب مرا و ترسانند مرا

تفسیر: یعنی فرشتگان را که به شکل پسران خوبرو و حسین آمده بودند - آدمی زاد پنداشتند از سبب خوی بد خود خواستند ایشانرا تحت تصرف خود در آرند - ما این مردم را کور ساختیم چنانچه آنها به رسو تکر می خوردند و در بدر شدند هیچ چیز را دیده نمیتوانستند و گفتیم اکنون مرزه این عذاب را بچشید.

وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقِرٌّ ﴿٢٦﴾ ج

و (به تحقیق) افتاد برایشان هنگام آغاز صبح عذابی که مقرر شده بود

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِي ﴿٣٩﴾

اکنون بچشید عذاب مرا و ترسانیدن مرا
تفسیر: بعد از آنکه کور کرده شدند دهکده های ایشان واژگون کرده شد و از بالا سنگها بارانیده شد بعد از عذاب کوچک این بود عذاب کلان.

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ

و (هر آینه) آسان کردیم قرآن را برای فهمیدن (پند) پس آیا کسی هست

مَدَّ كِرِّي ﴿٤٠﴾ ج و لَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ﴿٤١﴾ ج

فکر کننده (پند گیرنده) و (هر آینه) آمدند به آل فرعون ترسانندگان
تفسیر: حضرت موسی و هارون (ع) و علامات ترساننده آنها.

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذًا

تکذیب کردند آیات ما را تمامی پس گرفتیم ما ایشانرا مانند گرفتن

عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٤٢﴾

غالب قوی

تفسیر: گرفت خدا گرفت نهایت زبردست بود که از چنگال او هیچکس نه بر آمده و نه گریخته میتواند - بنگرید! که چسان همه فرعونیان را الله تعالی در قلم غرق نمود حتی یک نفر هم خلاص شده نتوانست.

اَكْفَارِكُمْ خَيْرٌ مِنْ أَوْلِيَّكُمْ أَمْ لَكُمْ

آیا منکران شما بهتر است ازین جماعت ها یا برای شما

بَرَآءَةٌ فِي الزُّبُرِ ﴿٤٣﴾ ج أَمْ يَقُولُونَ

حکم خلاصی است در اوراق پیشین آیا میگویند

نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرُونَ ﴿۴۳﴾

ما جماعتی هستیم انتقام گیرنده

تفسیر: بیان واقعات اقوام گذشته در حقیقت خطابی است بمردم موجوده یعنی آیا کافران شما نسبت به کافران سابقه بهتر می باشند که در سزای کفر و طغیان مورد تباهی قرار داده نمیشوند؟ و یا از حضور خداوند (کدام فارغ خطی) به شما داده شده که هر شرارتی را که بخواهید بکنید و به شما سزا داده نشود؟ و یا آیا درین زعم و تصویرید که جمعیت و قوت ما بسیار زیاد است و چون همه ما بامداد یکدیگر جمع شویم از هر کس یقیناً انتقام گرفته می توانیم و هیچکس را نمی مانیم که در مقابله ما کامیاب شود؟

سَيَهْرَمُ الْجَمْعُ وَيُولُونَ الدُّبُرَ ﴿۴۴﴾

اکنون شکست خواهد یافت این جمعیت و بگریزند پشت گردانده

تفسیر: عنقریب برایشان حقیقت جمعیت منکشف میشود آنگاه که از دست مسلمانان شکست خورده و پشت گردانده راه فرار اختیار کنند چنانچه این پیشگوئی در «بدر» و «احزاب» پوره شد در آنوقت بزبان نبی کریم (ص) این آیت جاری بود «سیهزم الجمع ویولون الدبر».

بَلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ

بلکه قیامت وعده گاه ایشان است و قیامت

أَدُّ هِيَ وَأَمْرٌ ﴿۴۵﴾

آفت بزرگ و تلخ تراست

تفسیر: در اینجا شکست چه اهمیت دارد موعده حقیقی هزیمت ایشان آنست که وقت قیامت بر سر آنها برسد آن ساعت وقت مصیبت شدید است.

(لازم)
(توجه)

إِنَّ الْهَجْرَ مِینَ فِی ضَلِّ وَ سَعْرٌ ﴿۴۶﴾

(هر آینه) گنهگاراند در همراهی و دیوانگی (آتش)

یَوْمَ یَسْحَبُونَ فِی النَّارِ عَلٰی وُجُوهِهِمْ

روزی که کشیده شوند در آتش بر رویهایشان

ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ﴿٤٨﴾

(گفته شود بایشان) بچشید مزه (رسیدن) آتش را

تفسیر: درین وقت از نشئه غفلت بکلی دیوانه شده اند - این دیوانگی از دماغ آنها وقتی خواهد برآمد که بروافکنده در آتش دوزخ کشیده شوند و بایشان گفته شود اکنون مزه آنرا بچشید .

إِنَّا كُنَّا شَيْءٌ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿٤٩﴾

(هر آئینه) ما هر چیز را پیدا کردیم بیشتر اندازه کرده

تفسیر: هر چیزیکه پیش آمدنی است در علم محیط الله تعالی بیشتر مقرر شده است عمر دنیا و وقت قیام قیامت هم در علم او مقرر است هیچ تقدم و تاخر در آن واقع نمیشود .

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلِمَةٍ بِلَبْسٍ ﴿٥٠﴾

و نیست حکم ما مگر یک کلمه مانند گردانیدن چشم

تفسیر: بیک چشم زدن هر چه بخواهیم کرده میتوانیم در تخلیق و تخریب چیزی تاخیر بحضور ما راه ندارد و نه بر ما زحمتی عائد میشود .

وَلَقَدْ أَهَلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مَدَّ كِرٍ ﴿٥١﴾

(و بتحقیق) هلاک ساختیم همراهان (امثال) شمارا پس آیا کسی هست فکر کننده؟ (پندگیرنده)

تفسیر: بسا کافران هم مسلك وهم مشرب شمارا بیشتر تباه کردیم - مگر هیچیک از شما از حال آنها عبرت نمیگیرد .

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ﴿٥٢﴾

و هر چیزیکه کرده اند ایشان نوشته شده است در اوراق (نامه های اعمال)

تفسیر: هر عمل نیکی و بدی در اعمالنامه های ایشان نوشته شده است تمام این فهرست در وقت خود پیش روی ایشان نهاده میشود .

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌ ﴿٥٣﴾

و هر خوردی و بزرگی نوشته شده است

تفسیر: قبل برین تفصیل هر چیز خورد و کلان در «لوح محفوظ» نوشته شده - تمام دفاتر منظم و مرتب است هیچ چیز کوچک و بزرگ در آن تغییری نمی یابد.

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ﴿٥٤﴾ فِي مَقْعَدٍ

(بتحقیق) متقیان در بهشتها و نهرها میباشند نشستند در مجلس

صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٥٥﴾

راست نزدیک پادشاه توانا بر همه چیز

تفسیر: بعد از مجرمین - درین موقع سرانجام متقین را بیان فرمود که آنها از برکت صدق و اخلاص خود بروفق و وعدههای راست خدا و رسول او در مقام پسندیده و نظیف نشیمن خواهند داشت و در آنجا قرب آن شهنشاه مطلق را نائل میشوند «اللهم انك ملیك مقتدر ما تشاء من امر یكون فاسعدنی فی الدارین وكن لی ولا تكن علی و آتنی فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار».

(تمت سورة القمر و لله الحمد و المنة)

(سوره الرحمن مکیه و هی ثمان و سبعون آیه و ثلث ركوعات)
(سوره «الرحمن» مکی است و آن هفتاد و هشت آیه و سه ركوع است)



الرَّحْمٰنُ ﴿١﴾ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿٢﴾ ط

رحمن آموخت قرآن را

تفسیر: قرآنیکه از جمله عطایای او بزرگترین عطیه و از جمله نعمت های او بلند ترین نعمت و رحمت است - یکطرف بساط انسان و ظرف او را به خیال خود بیاورید و طرف دیگر این دریای نا پیدا کنار «علم قرآن» را بنگرید - بلاشک و شبهه چنین هستی ضعیف البنیان را حامل چیزی ساختن که از آسمانها و کوهها هم سنگین تر باشد تنها کار رحمن است ورنه کجا بشر ناتوان و کجا کلام خدای رحمن.

تنبیه: در سوره «النجم» «علمه شدید القوی الایه» فرموده بود درین موقع توضیح فرمود که معلم اصلی قرآن فقط پروردگار است و لو بتوسط فرشته باشد.

خَلَقَ الْإِنْسَانَ ۙ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ۙ

آفرید انسان را آموزخت او را سخن گفتن

تفسیر : ایجاد (وجود را ارزانی داشتن) نعمت بزرگ او تعالی بلکه اصل و بیخ نعمت هاست و آن بردو قسم است :- «ایجاد ذات» و «ایجاد صفت» اکنون الله تعالی آدم را بوجود آورد و درو صفت «علم بیان» نیز بنهاد یعنی انسان را قدرت داد که مافی الضمیر خود را به نهایت صفائی و خوبی ادا کند و سخن دیگران را فهمیده بتواند - بذریعۀ همین صفت انسان قرآن را می آموزد و دیگران را می آموزاند و سخنان خیر و شر ، هدایت و ضلالت ، ایمان و کفر ، دنیا و آخرت را بطور واضح میفهمد و میفهماند .

الْشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ۙ

آفتاب و ماه را حسابی است

تفسیر : یعنی طلوع و غروب ، کم و زیاد شدن و یا قائم ماندن هر دو بیک حالت علاوتاً به ذریعۀ آفتاب و ماهتاب تبدیل فصول و مواسم و بطریق مختلف بر سفلیات اثر انداختن این همه ما تحت یک حساب خاص و نظام استوار بعمل می آید - چه مجال که این هر دو از اثره آن بیرون قدم نهاده بتوانند - خدماتیکه او تعالی از برای بندگان خود پرورش این هر دو نهاده است در آن هیچ کوتاهی کرده نمیتوانند و همیشه در خدمت مابندگان مشغولند .

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ۙ

و گیاه و درخت سجده میکنند

تفسیر : سفلیات هم مانند علویات مطیع و منقاد مالک خود هستند - بته گیاه کوچک بیاره هائیکه بر زمین پراکنده میشود و درختان بلند همه پیش حکم تکوینی او تعالی سر بسجود اند - اگر بندگان آنرا بکار خود بیاورند اینها انکار کرده نمیتوانند .

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ۙ

و آسمان را برافراخت و بنهاد ترازو را

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ۙ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ

تا تجاوز نکنید در ترازو و راست بسنجید

يَا لِقِسطٍ وَ لَا تُخسِرُوا الْهِيزَانِ ⑨

بانصاف و نقصان نکنید دوزن کردن

تفسیر : در سطور فوق چوره های دو دو چیز بیان شده است - درین موقع هم در برابر بلندی آسمان پستی زمین مذکور است . ذکر میزان (ترازو) شاید در بین ازیمن سبب آمده باشد که در وقت تول کردن عموماً ترازو را در میان آسمان و زمین معلق نگه میکنند - این استنباط بر تقدیر است که از میزان ترازوی ظاهری وحسی مراد باشد - چون اصلاح معاملات زیاد و حفاظت حقوق به آن وابسته است لهذا میفرماید که غرض وضع میزان وقتی بدست می آید که نه در وقت گرفتن بیشتر وزن کنید ، نه در وقت دادن کمتر و نه در سنگ کمی و بیشی شود و هر دو پوله ترازو باید برابر باشد و در حین وزن کردن نباید فریب کاری نمود - بهر حال بدون زیادت و نقصان و بکمال دیانت داری بالکل درست وزن شود .

تنبیه : اکثر سلف درین موقع از (وضع میزان) برپاداشتن عدل را مراد گرفته اند - یعنی الله تعالی از آسمان تا زمین هر چیز را بر بنیاد حق و عدل درجه اعلائی توازن و تناسب قائم کرده است اگر عدل و حق ملحوظ نباشد تمام نظام کائنات درهم و برهم شود - بنابراین ضروری است که بندگان هم باید بر جاده عدل و حق مستقیم و استوار باشند و نگذارند که ترازوی انصاف بالا و یا پایین رود به کسی زیادتی نکنند و حق کسی را نخورند - در حدیث آمده است که فقط از سبب عدل زمین و آسمان قائم اند .

وَالْأَرْضُ وَ ضَعَهَا لِلاَّ نَامِ ⑩

و زمین را گسترد برای مخلوق

تفسیر : تا در آن به آرامی و راحت گردش کنند و کاروبار خود را جریان دهند .

فِيهَا فَاكِهَةٌ ۱۱ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْاَكْمَامِ ۱۲

در آن میوه است و خرما که صاحبان غلافها هستند

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ ۱۳ وَالرَّيْحَانُ ۱۴

و در آن زمین دانه برگدار است و گل خوشبو

تفسیر : هم میوه و هم غله از زمین میروید - غله مشتمل بر دو چیز است - دانه که غذای انسان است و کاهیکه خوراک حیوانات است چیزهای دیگری نیز از زمین بدست می آید که هر چند استفاده غذایی از آن نمیتوان کرد لیکن از خوشبوئی و عطرش فائده گرفته میشود .

فِي آيِ الْآءِ رَبِّكُمْ تَكْذِبُ ۝۱۳

پس به کدام نعمت‌های پروردگار خود شما هر دو تکذیب می‌کنید؟

تفسیر: یعنی ای جن و انس! در آیات فوق که نعمت‌های عظیم‌الشان و نشانی‌های قدرت پروردگار شما بیان شده برای تکذیب کدام یک از آنها جرأت خواهید کرد؟ آیا یکی از نعمت‌ها و آیات بینات کبریائی هم قابل انکار خواهد بود؟ علماء بر بنای یک حدیث صحیح نوشته‌اند که چون شخصی این آیت «فِي آءِ رَبِّكُمْ تَكْذِبُ» را بشنود جواب بدهد «لابشئ من نعمك ربنا نكذب فلك الحمد» (ای پروردگار ما! هیچیک نعمت ترا تکذیب نمی‌کنیم - همه حمد و ثنا فقط برای توست).

تنبیه: اگرچه ذکر جنها پیشتر تصریح نشده لیکن آنها در «انام» شامل اند و در «وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» (پاره ۲۷ رکوع ۸) آفرینش هر دو جنس برای عبادت مذکور شده و متصلا در آیت مابعد کیفیت تخلیق آدم و جن بیان شده و پس از چند آیت در «سنفرغ لکم ایها الثقلان» و «یامعشر الجن والانس» صریحا جن و انس هر دو مخاطب گردیده - این قرائن دلالت میکند که در اینجا مخاطب همین هر دو جنس است.

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ۝۱۴

آفرید انسان را از گل خشک صدادهنده مانند سفال

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارٍ مِنْ نَارٍ ۝۱۵

و آفرید جن را از جنرا از شعله آتش

تفسیر: پدر تمام انسانها آدم را از گل و پدر جنیان را از آتش آفرید.

فِي آيِ الْآءِ رَبِّكُمْ تَكْذِبُ ۝۱۶

پس بکدام نعمت‌های پروردگار خود شما هر دو تکذیب می‌کنید

تفسیر: ترجمه «آء» عموماً به «نعمت» کرده شده لیکن ابن جریر از بعض سلف بمعنی «قدرت» نقل کرده است - بنابراین در هر مقام که بمعنی موزون‌تر و مناسبتر باشد گرفته شود. درین آیت و آیت ماقبل میتوان هر دو مطلب را گرفت زیرا که انس و جن را به خلعت وجود سرفراز نمودن از جماد و از آتش لایعقل دانشمند ساختن یک نعمت بزرگ است و نیز نشانی قدرت لامحدود اوست.

تنبیه: این جمله «فِي آءِ رَبِّكُمْ تَكْذِبُ» درین سوره سی و یک مرتبه آمده است و هر بار بسوی یک نعمت خاص اشاره شده است و یا از شئون عظمت و قدرت اوبسوی کدام شان خاص توجه منعطف کرده شده - همچو تکرار در کلامهای عرب و عجم

بکثرت یافت میشود - این نویسنده در یکی از شماره‌های سابق مجله (القاسم) به عنوان «در قرآن مجید تکرار چراست» مضمونی نشر کرده در آن چند مثال را از کلام شعرای عرب ذکر نموده فلسفه تکرار را شرح داده است درین مختصر نمیتوان شرح مزیدی داد .

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿١٧﴾ ج

پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب است

تفسیر : در دوران زمستان و تابستان بهر نقطه‌های مختلفه که آفتاب طلوع میکند آن دو مشرق و بجاهائیکه غروب میکنند آن دو مغرب است از تغیر و تبدل همین مشرقین و مغربین مواسم و فصول تبدیل میشود و انقلابات متنوع بر روی زمین وقوع می‌پذیرد هزارها فوائد و مصالح اهل زمین باین تغیرات مربوط است پس تغیر و تبدل آنها هم يك نعمت بزرگ خدا و علامت قدرت عظیمه اوست .
تنبیه : پیش از آیه هذا و بعد از آن هم تافاصله بعیده دو دوچیز بیان شده لهذا درین موقع ذکر مشرقین و مغربین يك لطافت خصوصي و نزاکت مرغوبی دارد .

فِي آيَاتِنَا لآيَاتٍ لِّكُمْ تَكْذِبُونَ ﴿١٨﴾

پس بکدام نعمت‌های پروردگار خویش شما هر دو تکذیب میکنید

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيْنَ ﴿١٩﴾ ل

روان ساخت دودریارا تا بهم جمع شده بروند

بَرَزَخٌ لَّا يَبْغِيْنَ ﴿٢٠﴾ ج

پرده است که بکسی بر دیگری تجاوز نکند

تفسیر: چنان نیست نه آب شیرین و آب شور بر یکدیگر هجوم برده خاصیت دیگری را بکلی زائل کند و آبها را بجای شده دنیا را از بین ببرند شرح مختصری راجع بمضمون این آیت در اواخر سوره «مشرقان» داده شده آنرا مطالعه فرمائید .

فِي آيَاتِنَا لآيَاتٍ لِّكُمْ تَكْذِبُونَ ﴿٢١﴾

پس بکدام نعمت‌های پروردگار خود شما هر دو تکذیب میکنید

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٢٦﴾

برمی آید ازین هردو دریا مروارید و مرجان

فِي أَيِّ الْأَرْضِ رِبِّكُمْ أَتُكْذِبُونَ ﴿٢٧﴾ وَلَهُ الْجَوَارِ

پس بگنایم نعمت های پروردگار خود شما هردو تکذیب میکند و مراوراست کشتیهای

الْبُنُشَاتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٢٨﴾

بلند ایستاده (ایجاد کرده شده) در بحر مانند کوهها

تفسیر: اگرچه کشتی ها و جہازات ظاهراً بدست شما ساخته شده مگر خود شما را خداوند تعالی آفریده به شما آن قوت ها و سامانها عطا فرموده است که بدان وسیله کشتی ها می سازید - لهذا مالک و خالق شما و مصنوعات شما فقط همان خدای است و این همه نعمت های او و نشانی های قدرت او است .

تنبیه: این جمله مقابل جمله ما قبل «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ الْاِيه» است یعنی از زیر دریانعمت های اول الذکر می برآید و در فوق آن این نعمت ها موجود است .

فِي أَيِّ الْأَرْضِ رِبِّكُمْ أَتُكْذِبُونَ ﴿٢٧﴾ كُلُّ مَنْ

پس بگنایم نعمت های پروردگار خود شما هردو تکذیب میکنید؟ هرچه است

عَلَيْهَا فَإِنْ لَاحِظٌ ﴿٢٨﴾ وَ يَبْقَى وَجْهٌ رَبِّكَ

بر روی زمین فناشونده است و باقی میماند روی پروردگارتو

ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٢٩﴾

که صاحب بزرگی و عظمت است

فِي أَيِّ الْأَرْضِ رِبِّكُمْ أَتُكْذِبُونَ ﴿٢٨﴾ يَسْأَلُهُ

پس بگنایم نعمت های پروردگار خود شما هردو تکذیب میکنید سوال میکند از خدا

مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ
هر که در آسمانها و زمین است هر روز

هُوَ فِي شَأْنٍ ۳۹ ج
او در شغلی است

تفسیر: تمام مخلوق زمین و آسمان از زبان حال و قال حاجات خود را از همان خدا میطلبند هیچکس برای يك لمحہ هم ازواستغنا ندارد و او تعالی نیز حاجت روائی همگنان را برفوق حکمت خود میکند - هر وقت کار او جداگانه و از سابق ممتازتر و هر روزشان او نو و بدیع است - کسی را میراندن و کسی را زنده ساختن - کسی را مریض کردن و کسی را تندرست نمودن - کسی را بلند بردن و کسی را کم کردن - کسی را دادن و از کسی گرفتن در شئون او داخل است و قس علی هذا .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ۴۰ سَنَفْرُغُ لَكُمْ

پس بکدام نعمت‌های پروردگار خود شما هر دو تکذیب میکنید بزودی فارغ خواهیم شد برای شما

أَيُّهَا الثَّقَلَيْنِ ۳۱ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ۴۱

ای دو قافله سنگین پس بکدام نعمت‌های پروردگار خود شما هر دو تکذیب میکنید

تفسیر: این همه کارها و شغل‌های دنیا عنقریب ختم شدنی است - بعد از آن مادورہ دوم را شروع خواهیم کرد - هنگامیکه حساب و کتاب هر دو قافله بزرگ شما (انس و جن) گرفته شود به مجرمان مجازات کامل و به وفاداران صلہ و مکافات بزرگ اعطا می‌گردد .

يَمْعُشَرُ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنْ اسْتَطَعْتُمْ

ای گروه جن و انسان اگر میتوانید

أَنْ تَنْفُدُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ

که بیرون برآمده بگریزید از کنارهای آسمانها

وَالْأَرْضِ فَاَنْفُذُوا ۚ لَا تَنْفُذُونَ

برآمده نمیتوانید

پس بگریزید

و زمین

إِلَّا بِسُلْطٰنٍ ۙ

مگر به سند (قوة)

تفسیر : اگر کسی بخواهد که از حکومت خداوند سبحانه برآید و بگریزد بدون قوت و غلبه چگونه گریخته میتواند آیانسبت بخدا کسی قوی تر و زور آورتر است ؟ اگر کسی برآید کجا خواهد گریخت ؟ دیگر قلمرو کجاست که در آنجا پناه ببرد ؟ واضح است که حکومت های عادی دنیا بدون سند و اجازه نامه راهداری - نمیگذارند کسی از حدود مملکت آنها برآید الله تعالی بدون سند چطور شخصی را اجازه خروج خواهد داد.

فِي آيِ الْآءِ رَبِّكُمْ تَكْذِبُ ۙ

شما هر دو تکذیب میکنید

نعمتهای پروردگار خود

پس بکدام

تفسیر : به چنین وضاحت فهمانیدن و بر تمام نشیب و فراز متنبه فرمودن چقدر نعمت کلان است آیا قدر دانی ازین نعمت نمیکنید و چنین قدرت عظیم الشان الله تعالی را تکذیب میکنید .

يُرْسَلُ عَلَيْكُمْ شَوْاظٌ مِّنْ نَّارٍ ۙ

آتش

از

شعله های صاف

بر شما

فرستاده میشود

و نَحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرِينَ ۙ

پس انتقام گرفته نمیتوانید (منع کرده نمیتوانید)

و بادود آمیخته

تفسیر : چون بر مجرمان شعله های خالص آتش و شرارهای بادود آمیخته فرستاده میشود کسی آنرا دفع کرده نمیتواند و نه آنها انتقام این سزا را گرفته میتوانند .

فِي آيِ الْآءِ رَبِّكُمْ تَكْذِبُ ۙ

شما هر دو تکذیب میکنید

پروردگار خود

نعمتهای

پس بکدام

تفسیر : مجرمان را سزادادن هم در حق وفاداران حقیقتاً انعام است و بیان کردن این سزا ناهردم از استماع آن دست از گناه کشند نیز يك انعام مستقل است ، حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد « در هر آیت نعمتی را نشان داد ، بعضی از آنها فی الحال نعمت است و در باب دیگری خبر دادن هم نعمت است تا از آن کناره کنند .»

فَاِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً
پس چون پاره گردد آسمان پس شود گلابی (مثل گل سرخ)

كَأَلِدٍ هَانٍ ۝
مانند درد (ادیم سرخ)

تفسیر : در روز قیامت آسمان پاره پاره می گردد و برنگ گل سرخ مانند درد روغن می گردد.

فِي أَيِّ الْأَرْبَابِ كَذِبِ ۝
پس بکدام نعمت های پروردگار خود شما هر دو تکذیب میکنید

لَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ ۝
پرسیده نشود از گناه او هیچ آدمی و نه جن

تفسیر : از انسان و یا جن به غرض اینکه در باب گناهان او علم آوری شود سوال کرده نمیشود زیرا که خدای تعالی از ازل هر چیز را میداند و آگاه است - البته بطور الزام و توییح استنطاق قانونی بعمل می آید کما قال «قوربك نئسنلنهم اجمعین» (حجر - رکوع ۶) و یا مطلب این است که بوقت برخاستن از قبرها سوال نمیشود اما پرسش بعد از آن منافی آن نیست .

فِي أَيِّ الْأَرْبَابِ كَذِبِ ۝
پس بکدام نعمت های پروردگار خود شما هر دو تکذیب میکنید

يَعْرِفُ الْمَجْرُمُونَ بِسِيئِهِمْ
شناخته میشوند گنهگاران بچهره ایشان

تفسیر : مجرمان از روی سیاه و نیلگونی چشمها خود بخود شناخته میشوند چنانکه مؤمنان از آثار و انوار سجده و وضو شناخته میشوند .

فِيؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ ﴿٤١﴾

پس گرفته میشوند از موهای پیشانی و از پای‌ها

تفسیر: کسی را از موی و کسی را از پای او گرفته بسوی جهنم کش کرده میبرند و یا استخوان و قبرغه‌ها را شکسته پیشانی‌ها را با پای پیوست مینمایند و با زنجیر بسته به دوزخ می‌اندازند.

فِيآيِ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ۖ هَذِهِ

پس بکدام نعمتهای پروردگار خود شما هر دو تکذیب میکنید این است

جَهَنَّمَ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُبْرِمُونَ ﴿٤٢﴾

آن دوزخ که تکذیب میکردند آنرا گناهکاران

تفسیر: در آنوقت برای شان گفته می‌شود که این همان دوزخ است که از آن در دنیا انکار میکردید.

يَطْوُونَ فُؤُودَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتِنِ

گردش میکنند میان آتش و میان آب گرم جوشان

تفسیر: یعنی گاهی به آتش و گاهی به آب جوشان عذاب میشوند (اعاذنا الله منها ومن سائر انواع العذاب).

ع ٢
فِيآيِ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ۖ هَذِهِ

پس بکدام نعمتهای پروردگار خود شما هر دو تکذیب میکنید

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ

و کسی را که ترسیده است از ایستادن بحضور پروردگار خویش دوزخ است

تفسیر: کسیکه در دنیا خائف و هراسان بود از اینکه روزی به حضور رب خود ایستاده شدن و ذره ذره حساب دادن دارد و از سبب همان بیم و ترس از نافرمانی الله کناره میگیرد و کماحقه بر راههای تقوی روان بود برای وی در بهشت دو باغ عالیشان مهیا است که صفات آن در آیت مابعد بیان کرده شده.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٤٧﴾

پس بکدام نعمتهای پروردگار خود شما هر دو تکذیب میکنید

ذَوَاتًا أَفْنَانٍ ﴿٤٨﴾

که در آن شاخهای بسیارند

تفسیر: دارای انواع و اقسام میوهها بوده و شاخهای درختان بسیار پرمیوه و سایه دار می باشد.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾

پس بکدام نعمتهای پروردگار خود شما هر دو تکذیب میکنید

فِيهَا عَيْنٌ تَجْرِي فِي بَحْرَيْنِ ﴿٥٠﴾

در آن دو بوستان دو چشمه اند جاری

تفسیر: این چشمه ها نه گاهی ایستاده میشود و نه گاهی خشک میگردد.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٥١﴾

پس بکدام نعمتهای پروردگار خود شما هر دو تکذیب میکنید

فِيهَا مِنْ كُلِّ ثَمَرٍ ذُو جُنَّجٍ ﴿٥٢﴾

در آن دو از هر میوه دو قسم میباشد

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٥٣﴾

پس بکدام نعمتهای پروردگار خود شما هر دو تکذیب میکنید تکیه کنان نشسته

عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَآءٍ مِنْهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ ۖ

بر بسترها که استرآن از ابریشم سطر است

تفسیر : وقتیکه استرآنها از ابریشم لك باشد روی بستره را از همین قیاس کنید که چه چیز خواهد بود .

وَ جَنَّاتٍ الْجَنَّتَيْنِ دَايٍ ۝۵۶

و میوه آن دو بوستان خم (نزدیک) اند

تفسیر : در چین آن هیچ زحمت پیش نمیشود بهشتیان ایستاده نشسته و دراز کشیده در هر حالت آزادانه از آن فائده برداشته میتوانند .

فَبَايٍ ۙ الْآءِ رَبِّكُمْ ۙ تُكذِّبِينَ ۝۵۵

پس بکدام نعمتهای پروردگار خود شما هر دو تکذیب میکنید

فِيهِنَّ قَصْرَاتٌ ۙ الطَّرْفِ ۙ لَمْ يَطْمِئِنَّ

در آن جننها زنان اند فرواندازنده چشمان که مس نکرده است آنها را

إِنْسٍ ۙ قَبْلَهُمْ ۙ وَلَا جَانٌّ ۝۵۶

هیچ آدمی قبل از بهشتیان ونه جن

تفسیر : عصمت و عفت آنها را هیچکس گاهی مس نکرده ونه این حوران بدون شوهران خود بسوی دیگر کس نگاه اندخته اند .

فَبَايٍ ۙ الْآءِ رَبِّكُمْ ۙ تُكذِّبِينَ ۝۵۷

پس بکدام نعمتهای پروردگار خود شما هر دو تکذیب میکنید

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٥٨﴾

گویا آن حوران یاقوت و مرجان اند

تفسیر : یعنی اینقدر خوش رنگ و بیش بها میباشند .

فِي أَيِّ الْأَيِّ رِبِّكُمْ تُكذِّبُنِ ﴿٥٩﴾

پس بکدام نعمت‌های پروردگار خود شما هر دو تکذیب می‌کنید

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ﴿٦٠﴾

نیست جزای نیکی مگر نیکی

تفسیر :- پاداش بندگی نیک جز ثواب نیک دیگر چیز نمی باشد - این جنتیان در دنیا عبادت الله را به منتها درجه کرده بودند گویا او تعالی را به چشم خود میدیدند - الله تعالی هم به آنها مکافات اعلی و انتهای اعطاف فرموده - «فلا تعلم نفس ما أخفى لهم من قرآءة عین» (سجده رکوع ۲) شاید درین آیت به سوی دولت دیدار هم اشاره باشد والله اعلم .

فِي أَيِّ الْأَيِّ رِبِّكُمْ تُكذِّبُنِ ﴿٦١﴾

پس بکدام نعمت‌های پروردگار خود شما هر دو تکذیب می‌کنید

وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَيْنِ ﴿٦٢﴾

و غیر ازین دو جنت دو جنت دیگر است

تفسیر : شاید دو باغ اول الذکر برای مقربین باشد و این دو بوستان برای اصحاب یمین تهیه شده باشد - والله اعلم .

فِي أَيِّ الْأَيِّ رِبِّكُمْ تُكذِّبُنِ ﴿٦٣﴾

پس بکدام نعمت‌های پروردگار خود شما هر دو تکذیب می‌کنید

مُدُّهَا مَتْنٌ ج ٦٤

دوبوستان سبز تیره چون سیاه

تفسیر : وقتی که سبزی بسیار تیره شود مائل به سیاهی میگردد .

فِي أَيِّ الْأَعْيُنِ رِبِّكُمْ تَكْذِبُ بِنِ ج ٦٥

پس بکدام نعمتهای پروردگار خود شما هر دو تکذیب میکنید

فِيهِمَا عَيْنٌ نَضَّا خَتِنَ ج ٦٦

در آن دو بهشت هست دو چشمه فواره کننده

فِي أَيِّ الْأَعْيُنِ رِبِّكُمْ تَكْذِبُ بِنِ ج ٦٧

پس بکدام نعمتهای پروردگار خود شما هر دو تکذیب میکنید

فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ج ٦٨

در آن دو بهشت هست میوه و خرما و انار

تفسیر : این میوها را بر انار و خرما این دنیا نباید قیاس نمود - کیفیت آن را خاص خدا (ج) میداند .

فِي أَيِّ الْأَعْيُنِ رِبِّكُمْ تَكْذِبُ بِنِ ج ٦٩

پس بکدام نعمتهای پروردگار خود شما هر دو تکذیب میکنید

فِيهِنَّ خَيْرٌ مِّنْ حِسَانٍ ج ٧٠

در آن جنتها زنان خوبصورت اند

تفسیر : دارای اخلاق نیکو و پسندیده هم خوبصورت و هم خوب سیرت .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٧١﴾
 پس بکدام نعمت‌های پروردگار خود شما هر دو تکذیب می‌کنید

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ﴿٧٢﴾
 حورها هستند نگه‌داشته شده در خیمه‌ها

تفسیر : ازین برمی‌آید که خوبی زنازدران است که در خانه مقید باشند .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٧٣﴾
 پس بکدام نعمت‌های پروردگار خود شما هر دو تکذیب می‌کنید

لَمْ يَطْمِئِنُّوْا إِنْسُ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٧٤﴾
 مس نکرده است ایشانرا هیچ آدمی پیش از بهشتیان و نه جن

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٧٥﴾
 پس بکدام نعمت‌های پروردگار خود شما هر دو تکذیب می‌کنید

مُتَّكِنِينَ عَلَى رُفْرِ خُضِرٍ وَ عَبَقَرِيٍّ ﴿٧٦﴾
 تکیه کنان نشسته بر بالشهای سبز و بر فرش

حِسَانٍ ﴿٧٧﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ ﴿٧٧﴾
 پیش قیمت نفیس پس بکدام نعمت‌های رب خود شما هر دو تکذیب می‌کنید

تَبْرَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٧٨﴾
 بابرکت است نام رب تو که نهایت بزرگ و با عظمت (انعام) است

تفسیر : یعنی کسیکه بر وفاداران خویش چنین احسانات و انعامات ارزانی فرموده اگر اندکی غور و تأمل نمائید خوبی اصلی و حقیقی در جمیع نعمتها از برکت نام پاک اوست و از ذکر نام همان ذات این نعمت هاب دست می آید . اکنون بدانید چون محض اسم ذات او دزای اینقدر برکات است در خود مسمی چقدر خواهد بود و نسال الله الکریم الوهاب ذالجلال والاکرام ان يجعلنا من اهل الجنة - آمین .
(تمت سورة الرحمن والله الحمد والمنة)

(سورة الواقعه مکیه و هی ست و تسعون آیه و ثلث رکوعات)
(سورة الواقعه مکی و آن نود شش آیت و سه رکوع است)



إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۝۱ لَيْسَ لَوْ قُعْتِهَا

(یادکن) وقتی که واقع شود واقع شونده (قیامت) نیست در واقع شدن آن

كَأَن بَۛ ۝۲

دروغی

تفسیر : چون قیامت قائم شود روشن و آشکار خواهد گشت که این سخن و خبر دروغ نبود - هیچکس آنرا منع کرده و عقب زده نمیتواند - و همه دعاوی دروغ «لایبعت الله من بهوت و غیره» اختتام می یابد اگر شخصی بخواهد به ذریعه تسلیت دروغ و غلط از سختی ها و کلفت های هولناک آن روز کم کند هیچ امکان ندارد .

خَا فِضَةٌ ۝۳ رَافِعَةٌ ۝۴

بلند کننده است

پست کننده

تفسیر : گروهی را پایان میبرد و گروهی را به بلندی میرساند کلان کلان متکبرین را که در دنیا بسیار معزز و سربلند شمرده می شدند بطرف اسفل السافلین رانده به دوزخ خواهد رسانید و بسیاری متواضعین را که در دنیا پست و حقیر بنظر می آمدند از برکت ایمان و عمل صالح به مقامات بلند جنت فائز میگرداند .

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا ۝۴ وَ بُسَّتِ

وریزه ریزه کرده شود

جنبانیدنی

زمین

چون جنبانیده شود

الْجِبَالُ بَسًّا ۝ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا ۝
 کوما ریزه ریزه پس میشوند غباری غباری پراکنده

تفسیر : در زمین زلزله شدید می آید و کوما ریزه ریزه شده مانند غبار پرواز میکند.

وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ۝
 و میشوید سه قسم

تفسیر : بعد از وقوع قیامت همه آدمها سه قسم کرده میشوند دوزخی - عام جنتی - خواص مقربین. طبقه آخر الذکر به درجات اعلی جنت فائز میشوند در آیات ما بعد ذکر اجمالی این سه طائفه است سپس در باب احوال آنها تفصیل داده میشود .

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۝ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۝
 پس اشخاص دست راست چه خوب اند اشخاص دست راست

تفسیر : آنانی که در وقت میثاق از پهلو راست آدم برآورده شده بودند در جانب راست عرش عظیم میباشند و اعمالنامه آنها هم بدست راست آنها داده میشود و فرشتگان هم ایشان را از جانب راست میگیرند ، خوبی و برکتی که در آن روز باین مردم عطا میشود خارج از بیان است . در شب معراج آنحضرت (ص) راجع به همین مردم مشاهده کرده بود که حضرت آدم (ع) به جانب راست خود نگاه انداخته میخندیدند و به طرف چپ خود دیده میگریستند .

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۝ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۝
 و اشخاص دست چپ چه بد مردم اند اشخاص دست چپ

تفسیر : مردمانی که از پهلو چپ آدم برآورده شده بودند در جانب چپ عرش ایستاده کرده میشوند ، اعمالنامه بدست چپ آنها داده میشود و فرشتگان از جانب چپ آنها را میگیرند از نحوست و بدبختی آنها چه گفته شود .

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ۝ أُولَئِكَ
 و پیشروندگان ایشانند پیشروندگان آن جماعه

المَقَرَّبُونَ ۱۱ ﴿ فِي جَنَّةِ النَّعِيمِ ۱۲ ﴿

مقربانند در بوستانهای نعمت

تفسیر: کسانی که در کمالات علمی و عملی و مراتب تقوی مسابقه کرده از اصحاب یمین پیش رفتند در رحمت الله تعالی و مرا تب قرب و وجاهت هم از همه پیش هستند (و هم الانبیاء والرسل و الصدیقون والشهداء یکنونون بین یدی ربهم عزوجل کما قال ابن کثیر).

شَلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ۱۳ ﴿ وَ قَلِيلٌ

(جماعه) کم اند

پیشینان

(جماعه) بسیار انداز

مِّنَ الْأَخِرِينَ ۱۴ ﴿

پسینان

از

تفسیر: حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد « پیشینه عبارت است از امم سا بقه و پسینه عبارت ازین امت (محمدیه ص) است - و یا اولین و آخرین از همین امت (مراد باشند) یعنی افراد درجه اعلی بیشتر به تعداد زیاد گذشته اند - بعد از آن کمتر شده میروند ».

تثیبه: اکثر مفسرین در تفسیر آیت این هر دو احتمال را بیان کرده اند - حافظ ابن کثیر (رح) احتمال دوم را ترجیح داده در روح المعانی حدیث ابوبکره را از طبرانی و غیره بسند حسن نقل کرده است که در آن رسول کریم (ص) راجع به این آیت فرموده اند «هما جمیعا من هذه الامه والله اعلم» ابن کثیر یک مطلب سوم آیت را بیان کرده و این بنده الله (شبیر احمد) آنرا پسند میکند یعنی «در طبقه اولی هرامت از برکت صحبت پیغمبر و با قرب زمان او مقربین درجه اعلی بسیارند، در طبقات مابعد، آن سخن نمانده، کما قال (ص) «خیر القرون قرنی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم» بلی اگر حدیث ابوبکره صحیح باشد چنانکه در روح المعانی ذکر شده ظاهر است که همان مطلب متعین میشود.

عَلَى سُرِّ مَوْضُوعَةٍ ۱۵ ﴿

زربافت

تختهای

نشسته اند بر

تفسیر: یعنی از سیم های طلائی بافته شده.

مُتَّقِلِينَ ۱۶ ﴿ عَلِيَّهَا

رو بروی یکدیگر

بران

تکیه کنان

۲۷

۵۶

تفسیر : جلوس آنها به ترتیبی میباشد که پشت هیچکس بسوی دیگری نمی باشد .

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ ﴿١٧﴾

گردش میکنند بحضور ایشان بچگان - جاوید ماندگان

تفسیر : برای اجرای خدمت بچه هائی میباشد که همیشه بیک حال خواهند ماند .

يَا كُوَابِ وَأَبَارِيقُ ۝ وَكَأْسٍ مِّنْ مَّعِينٍ ﴿١٨﴾

به آبخوره ها (گیلاس) و کوزه ها و بیاله از شراب صاف (جاری)

لَا يُصَدَّ عُونٌ عَنْهَا وَلَا يُنْزَفُونَ ﴿١٩﴾

که نه سردرد میشوند از آن و نه شطحات گویند (بیهوش نمیشوند)

تفسیر : شراب صاف که چشمه های قدرتی آن در جریان می باشد ، از نوشیدن آن نه سرگردانی و نه بیهوده گوئی به شخصی پیدا میشود - زیرا که نشه نداشته محض سرور و لذت میباشد .

وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ﴿٢٠﴾

و میوه از آنچه که پسند کنند

وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢١﴾

و گوشت پرنده از آنچه خواهش کنند

تفسیر : هر وقت هر میوه که بخواهند و هر قسم گوشتیکه پسند شان باشد بدون محنت و تعب بایشان میرسد .

وَحُورٍ عِينٍ ﴿٢٢﴾ كَأَمْثَالِ

و حوران کلان چشم مانند

اللُّؤْلُؤِ لَوِّ الْمَكْنُونِ ﴿٢٣﴾

دانه های مروارید پوشیده در صدف

تفسیر : مانند مروارید صاف که بیک ذره گرد و غبار بر آن اثر نکرده باشد .

جَزَاءُ يَوْمَئِذٍ كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۲۷﴾ لَا يَسْمَعُونَ

پاداش آن کارهائی که میکردند نمی شنوند
 فِيهَا لَعْنًا وَّ لَا تَأْتِيهَا إِلَّا قِيلًا
 در آنجا بیهوده گوئی و نه سخن گناه مگر گفتن

سَلَامًا سَلَامًا ﴿۲۸﴾

سلام باد سلام باد

تفسیر : در آنجا سخنان لغو ، واهیات و باوه گوئی نمی باشد ، نه کسی دروغ میگوید و نه بردیگری تهمت و بهتان میکند از هر طرف تنها آواز های سلام باد سلام باد بلند میشود یعنی جنتیان یکدیگر را و فرشتگان به جنتیان سلام میکنند - و سلام رب کریم میرسد که صورتی است از اعزاز و اکرام نهایت زیاد - این کثرت سلام اشاره به سوی این مطلب است که اکنون در اینجا رسیدید از تمام آفات و مصائب دائماً محفوظ و مصئون ، صحیح و سالم مبادا شمسید هیچگونه آزاری به شما نمیرسد ، گاهی نه موت و نه فنا بر شما می آید .

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿۲۹﴾ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿۳۰﴾

و اشخاص دست راست چه خوب اند اشخاص دست راست

فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ﴿۳۱﴾

در درختان بیر (کنار) بیخار

تفسیر : یعنی از انواع و اقسام میوه های لذیذ برخوردار خواهد بود .

وَّ طَلْحٍ مَّنْضُودٍ ﴿۳۲﴾ وَ زَيْلٍ مَّهْدُودٍ ﴿۳۳﴾

و درختان کیله (موز) تو بر تو و در سایه و دراز

تفسیر : نه حرارت آفتاب و نه سردی و نه برودت در آنجا وجود دارد و نه تاریکی خواهد بود مانند وقت بین طلوعیسن همین طور آن وقت و سایه معتدل و خوشگوار را بفهمید و ساحه درازی آن چنان وسیع می باشد که اگر چابکترین اسپ تا صد سال بیک رفتار سریع برود باز هم ختم نشود ..

وَمَا مَسْكُوبٌ ۙ وَفَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ ۙ

و آب ریزان و میوه بسیار

لَا مَقْطُوعَةٌ ۙ وَلَا مَمْنُوعَةٌ ۙ

نه منقطع شده و نه منع کرده شده

تفسیر: میوه های گوناگون و نهایت فراوان - نه بیشتر کسی آنرا بر چیده و مانند میوه های موسمی و موقتی دنیا نیست که ختم شود بلکه ابدالابداد هر وقت و هر آن موجود می باشد - و بگرفتن آن هم هیچ نوع ممانعت و بندشی گاهی پیش نمی آید .

و فرُشٍ مرفُوعَةٍ ۙ

و فرشهای برافراشته شده

تفسیر: چه از حیث ظاهر و چه از حیث رتبه بسیار بلند می باشد .

إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً ۙ فَجَعَلْنَهُنَّ

(هر آئینه) ما آفریدیم حوران را آفریدن نیکو پس ساختیم ایشانرا

أَبْكَارًا ۙ عُرُبًا أَتْرَابًا ۙ

دوشیزه محبوبه بشوهر همسال

لَا صُحْبَ الْيَمِينِ ۙ

برای اشخاص دست راست

تفسیر: حورها و زنان دنیا که در جنت نصیب میشوند پیدایش و نشوونمای آنها بقدرت خدا (ج) طوری میشود که همیشه خوبرو، خوش شکل، خوش اندام و جوان میباشند و سخنان شیرین و ناز و انداز دلربا و بیساخته آنها نهایت جالب محبت است. بر علاوه همگی هم عمر میباشند و با شوهران شان نیز تناسب عمر دائماً نگهداشته میشود .

ثُمَّ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ۝٣٩ وَثُمَّ مِّنَ

جماعة بسیارند از پیشینان و جماعة بسیارند از

الْآخِرِينَ ۝٤٠

پسینان

تفسیر : اصحاب یمن در پیشینان هم بسیارند و در پسینان هم بسیار میباشند .

وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ ۝٤١ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ۝٤٢

و اشخاص دست چپ چگونه اند اشخاص دست چپ

فِي سَمُومٍ ۝٤٣ وَ حَمِيمٍ ۝٤٤ وَ ظِلِّ

در بادسوزان و آب جوشان و در سایه

مِّنْ يَّحْمُومٍ ۝٤٥ لَا بَارِدٍ وَ لَا كَرِيمٍ ۝٤٦

دود نه سرد و نه باعزت

تفسیر : از آتش دوزخ دود سیاه برمی خیزد - در سایه آن میباشند - و از آن هیچگونه آسایش جسمانی و روحانی نمی یابند نه سردی برای شان میرسد و نه آن سایه عزت میباشند - ذلیل و خوار بوده دائماً در تفت آن بریان میشوند . این است جواب آسودگی و عیش و تنعم دنیوی آنها که به آن مغرور شده بالله و رسول پیشه ضد و عناد را گرفته بودند .

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ۝٤٧

(بدرستیکه) ایشان بودند پیش ازین خوشحال (آسوده)

وَ كَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ ۝٤٨

و بودند که ضد (اصرار) میکردند بر گناه بزرگ

تفسیر: مراد از گناه بزرگ کفر و شرک و تکذیب انبیاء است - و یا قسمهای دروغ خورده میگویند که بعد از مردن هرگز زندگی نیست - كما قال تعالی «واقسموا بالله جهد ايمانهم لایبعث الله من یموت» (نحل رکوع ۵) .

وَكَانُوا يَقُولُونَ ۝ اِذَا مِتْنَا وَكُنَّا

و (بودند که) می گفتند آیاتیکه بمیریم و مردیم

تُرَابًا وَعِظَامًا ۝ اِنَّا لَبَعُوثُونَ ۝

خاک و استخوانها آیا ما باردیگر برانگیخته میشویم

اَوْ اَبَاؤُنَا الْاُولُونَ ۝

و آیا پدران پیشینان مانیز

تفسیر: آیا آنها هم که بسیار پیش از ما مرده اند زنده میشوند؟ یعنی این سخن را کدام کس باور کرده میتواند .

قُلْ اِنَّ الْاُولٰٓئِنَ وَالْاٰخِرِيْنَ ۝

بگو (بتحقیق) پیشینان و پسینان

لَجِبُوا عَوْنَهُ ۝ اِلَىٰ مِيْقَاتٍ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ۝

همه جمع کرده شوند بوقت یكروز مقرر

تفسیر: یعنی روز قیامت که وقت آن در علم الله تعالی مقرر و معلوم است .

ثُمَّ اِنَّكُمْ اِيْهَا الضَّالُّونَ الْهٰكِدُونَ ۝

پس (بتحقیق) شما ای گمراهان تکذیب کنندگان

لَا اَكْلُوْنَ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زُرْقٍ ۝

البته میخورید از درختی که آن زقوم است

فَمَا لِيُؤْنِ مِنْهَا الْبُطُونُ ^ح ^{۵۳}
 پس پر میکنند از آن شکمها را

تفسیر : چون از کرسنگی بجان می آیند این درخت برای خوردن بایشان داده میشود و از آن شکمهای خود را پر میکنند .

فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ^ج ^{۵۴}
 پس مینوشید بران از آب جوشان

فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ ^ط ^{۵۵}
 پس مینوشید مانند نوشیدن شتران تشنگی زده

تفسیر : چنانکه يك شتر تشنگی زده در گرمی از شدت تشنگی آب نوشیده میرود دوزخیان هم به همین کیفیت دچار میشوند - لیکن وقتی که آنها این آب داغ را نزدیک دهن خود میبرند دهن شان بریان میگردد چون در شکم شان میرود رودهای شان قطع گردیده بیرون می افتد (العیاذ بالله) .

هَذَا نَزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ^ط ^{۵۶}
 این است مهمانی ایشان روز انصاف (جزاء)

تفسیر : مقتضای انصاف این است که باین ترتیب مهمانی کرده شوند .

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ^{۵۷}
 ما آفریدیم شما را پس چرا تصدیق نمیکنید ؟

تفسیر : چرا باور نمیدارند ذاتیکه بار اول ایشان را بیافرید او میتواند بار دیگر هم آنانرا هستی دهد .

أَفَرَأَيْتُمْ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ^ط ^{۵۸} ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَ
 پس خوب بنگرید (آیادیدید) آبی را که میریزانید (در رحم زنان) آیشما می آفرینید آنرا

أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ﴿۵۹﴾

آفریننده ایم

تفسیر : کدام کس است که در رحم مادر از نطفه انسان را می سازد - در آنجا تصرف ظاهری هیچیکی از شما نیز نفوذ ندارد پس بدون ذات مقدس ما کیست که در قطره آب چنین صورت دلپذیر را رسم میکنند و باز در آن روح میسند .

نَحْنُ قَدْ رَأَيْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ

مرگ را

در میان شما

مقرر کردیم

ما

تفسیر : زنده ساختن و میراندن همه در قبضه قدرت ماست آنگاه که زمام عدم و وجود بدست ما باشد بعد از مردن شما زنده کردن برای ما چه اشکال دارد .

وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿۶۰﴾ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ

از آنکه عوض شما آریم قومی

عاجز شده

نیستیم

و ما

أَمْثَالِكُمْ وَنُنشِئُكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۶۱﴾

که نمیدانید

و برانگیزانیم (بیافرینیم) شما را در چیزی

مانند شما

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد « یعنی شما را به جهان دیگر ببریم و در عوض شما مخلوق دیگر را درین دنیا جای دهیم » .

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ

نخستین را

آفریدن

دانسته اید

و به (تحقیق)

فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۶۲﴾

یاد نمیکنید

پس چرا

تفسیر : آفریدن و پیدایش اولی را بیاد آورده زنده کردن دومین را هم مثل آن بفهمید .

أَفْرَأَ يُتَمُّ مَا تَحْرُثُونَ ﴿٦٣﴾ ط ء أَنْتُمْ

آیاشما

میکارید

آنچه

پس خوب بنگرید (آیادیدید)

تَزْرَعُونَ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴿٦٤﴾

رویابنده

مانیم

یا

میرویانید آن را

تفسیر : در ظاهر تخم را شما در زمین میپاشید لیکن در داخل خاک آن را پرورش دادن باز آنرا بر آورده کشت سبز و خرم ساختن کار کیست؟ نسبت باین هیچ دعوی ظاهری و سطحی هم کرده نمیتوانید که آن تیار کردگی ماست .

لَوْ نَشَاءُ لَجْعَلْنَاهُ حُطًا مَا فَطَرْتُمْ تَفَكَّهُونَ ﴿٦٥﴾

اگر خواهیم (هر آینه) بگردانیم آنرا گیاهی درهم شکسته پایمال شده (گاہ بیدانه) پس تمام روز تعجب کنان میگوئید

إِنَّا لَمُغْرَمُونَ ﴿٦٦﴾ بَلْ نَحْنُ حُرٌّ وَمُونَ ﴿٦٧﴾

بی بهره گانیم

بلکه ما

که (بتحقیق) ما فرضدار شدیم

تفسیر : بعد از رویانیدن کشت نگه داشتن و باقی داشتن آن هم فقط کار ماست - اگر بخواهیم آفتی برسانیم که بذریعه آن یکدم تمام زراعت از کار بیفتد و نابود شود در نتیجه حسرت و ارمان نموده و در بین خود گوئید که «افسوس! زیر زیان نهایت سنگین آمدیم بلکه راست این است که بکلی تهیدست شدیم» .

أَفْرَأَ يُتَمُّ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾ ط

مینوشید

که

پس خوب بنگرید (آیادیدید) آبی را

ء أَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ

ابر

از

فروذ آورده اید آنرا

آیاشما

أَمْ نَحْنُ الْمُنِزِلُونَ ﴿٦٩﴾

یا مائیم فرودآورنده

تفسیر: باران هم به حکم ما می شود و در خزانه های زمین هم آن آب را فقط ما ذخیره میکنیم شما چه قدرت داشتید که آب را می ساختید و یا بذریعه خوشآمد و زبر دستی از ابرها می ستانیدید.

لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أَجَا جَافِلَوْ لَا تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾

اگر بخواهیم گردانیم آنرا شور پس چرا احسان نمی پذیرید (شکر نمیکنید)

تفسیر: اگر بخواهیم آب شیرین زلال را به طرفه العین شور و زمخت بگردانیم که نه آنرا نوشیده بتوانید و نه بکار زراعت شما بیاید - پس شما احسان ما را قبول نمیکنید که ما چقدر بسیار خزائن آب شیرین را به اختیار شما گذاشته ایم در بعض روایات است که رسول کریم (ص) آب را نوشیده میفرمودند: «الحمد لله الذي سقانا عذبا فراقا برحمته ولم يجعله ملحا اجاجا بذنوبنا» (ابن کثیر).

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ﴿٧١﴾

پس خوب بنگرید (آیا ندیدید) آتشی را که می افروزید (می برآید از درخت سبز)

ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ ﴿٧٢﴾

آیا شما آفریدید درخت آنرا یا مائیم آفریننده

تفسیر: در عربستان بعض درختان سبز چنان است که از بهم سائیدن آن آتش می برآید چنانکه در ملك ما بانگس است - پیشتر در سوره یس ذکر آن شده - یعنی درین درختان کدام کس آتش نهاده است شما و یا ما؟

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً

تسهادا ساختیم آن درخت را برای یاددهانی (بند)

تفسیر: یعنی از مشاهده این آتش، آتش دوزخ را بیاد بیاورند که این هم یک قسمت و نمونه جزئی آنست متفکرین میتوانند این امر را بذهن خود بیاورند که خدائیکه از درخت سبز آتش برآورده میتواند بدون شک قدرت دارد که مردگان را نیز زنده کند.

وَمَا تَأْتِيهِمْ لِيُقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَبِأَنفُسِهِمْ وَبِأَمْوَالِهِمْ لَقَدْ أُفْتِنُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۷۳﴾

و بکار بردن (منفعت گرفتن) برای صحرائیان (مسافران)

تفسیر : ساکنین جنگل و مسافران به آتش احتیاج زیادی دارند خصوصاً در فصل زمستان - حقیقت این است که احتیاجات مردم از همین آتش می برآید .
تنبیه : بنا بر بعض روایات علماء مستحب دانسته اند که بعد از تلاوت هر جمله استفهامیه درین آیات قاری «بل انت یارب» بگوید .

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿۷۴﴾

پس بپاکی یاد کن نام پروردگار خود را که از همه بزرگ است

تفسیر : ذاتی که چنین چیزهای متنوع و مفید را برای ما پیدا فرمود و خاص به فضل و احسان خود ما را منتفع ساخت باید به شکر او تعالی پرداخت و از خرافات موضوعه منکرین صرف نظر کرده باید پاکی ذات و نام مبارک او را بیان کرد - محل تعجب است که مردم چنین آیات باهره را می بینند باز هم قدرت و وحدانیت او تعالی را کماحقه نمیدانند .

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوْجِعِ النُّجُومِ ﴿۷۵﴾

پس قسم میخورم بفرورفتن ستارگان

تفسیر : معنای دیگر این است که قسم میخورم به فرود آمدن آیات در دلهای پیغمبران (موضح) و یا سوگند به نزول آیات قرآن که از آسمان بر زمین آهسته آهسته و کم کم نازل میشود .

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَتَّعَلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿۷۶﴾

و (بتحقیق) این قسمی است اگر بدانید قسم بزرگ بتحقیق این

لَقُرْآنٍ كَرِيمٍ ﴿۷۷﴾ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿۷۸﴾

قرآنی است باعزت نوشته شده در کتاب پوشیده

لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿۷۹﴾

مس نمیکند آن را مگر پاک ساخته شدگان (پاکان)

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد «یعنی فرشتگان آن کتاب را دست میزنند آن کتاب همین قرآن است که در دستهای فرشتگان ویا در لوح محفوظ نوشته شده» و بعض ضمیر «لایمسه» را بسوی قرآن راجع کرده است «یعنی این قرآن را دست نمیزنند مگر مردمان پاک یعنی کسانی که دل صاف و اخلاق پاک دارند - همین مردم بدرستی به علوم و حقائق آن رسیده میتوانند» یا این قرآن رامس نکنند مگر مردمان پاک - یعنی بدون وضو به آن دست زدن روا نیست چنانکه از احادیث ثابت است درین موقع نفی «لایمسه» برای نهی میباشد .

تَنْزِيلُكَ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۸۰﴾

فرو فرستاده شده از طرف پروردگار عالم

تفسیر : این کتاب عبارت از جادو یا تعویذ نیست و نه مشتمل است بر سخنان بیموده و بی سرو پای کاهنان و نه تخیلات و قافیه بندیهای شاعرانه است بلکه کتابی است بی نهایت مقدس و معزز که رب العالمین برای هدایت و تربیت جهانیان فرستاده آن خدائیکه نظام نهایت محکم و عجیب و غریب آفتاب - ماه و زمین و جمیع ستارگان را استوار فرمود - این ستارگان تحت یک قانون کامل و نافذ به ذریعه طلوع و غروب یومیه مظهر عظمت و وحدانیت و تصرف و اقتدار قاهرانه اوتعالی میباشد - (چنانکه ابراهیم (ع) همین چیز را به قوم خود حجت و دلیل پیش کرد) و به زبان حال شهادت میدهند که زمام ما در دست ذات برتر و اعلی و سلطه غیبیه ایست که تنها او خالق و مالک زمین ، ابر ، آب ، آتش ، هوا ، خاک و هر ذره کائنات میباشد آیا از مشاهده چنین علامات روشن آسمانی در صدق آن مضامین که در رکوع اول بیان شده شبهه میماند و آیا دانشمندی بعد از نظر افکندن باین نظام عظیم الشان اینقدر فهمیده نمیتواند که یک نظام شمسی باطنی دیگری که عبارت است از قرآن کریم و آیات آن و یا همه کتب و صحف سماویه از طرف همان پروردگار عالم قائم کرده شده است ؟ آن پرورد گاریکه به قدرت و رحمت کامله خود این نظام ظاهری را قائم فرموده همان خدای پاک است که بعد از غروب ستار های روحانی ، آفتاب قرآن را نور تابان داد ، مخلوق خود را در تاریکی نگذاشت این آفتاب تا به امروز درخشان است - مجال کیست که آنرا تبدیل کند و یا غایب نماید انوار و شعاع های آن در همان دلها کماحقه انعکاس میکند که به ذریعه صیقل عبادت پاک و صاف کرده شود .

أَفِيهِدَ الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدُّ هِنُونَ ﴿۸۱﴾

اکنون آیا باین سخن شما سستی میکنید

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تَكْذِبُونَ ﴿۸۲﴾

و میگیرید و حصه خود را اینکه تکذیب میکنید آنرا

تفسیر: آیا این دولتی است که در فائده برداشتن از آن تنبلی و کاهلی بکار برید و بهره خود را فقط همین قدر بدانید که او را و حقائق تعلیم داده او را تکذیب کرده بروید چون نزول باران را دیده اظهار میدارید که فلان ستاره در فلان برج آمده بود لہذا بارندگی بعمل آمد گویا با ایزد تعال هیچ سروکار ندارید. همینطور قدر این باران رحمت را نشناختن که به صورت قرآن نازل شده است و این اظهار که از طرف اللہ نازل نشده نہایت بدبختی و بی نصیبی است. آیا سپاسگذاری یک نعمت همین است که آن تکذیب شود.

فَلَوْ لَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ ۝ ۱۳ ۝ وَأَنْتُمْ

پس چرا نه چون برسد روح بگلو حال آن که شما

حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ ۝ ۱۴ ۝ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ

در آن وقت مبینید و ما نزدیک تریم بسوی او

مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ ۝ ۱۵ ۝ فَلَوْ لَا

نسبت بشما و لیکن نمی بینید پس چرا نه

إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ۝ ۱۶ ۝ تَرْجِعُونَهَا

اگر هستید غیر مقهور حکم الهی (غیر جزاء داده شدگان) چرا باز نمیگردانید آن روح را

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ ۱۷ ۝

اگر هستید راستگویان

تفسیر: به جنان بی فکری و بیخوفی سخنان اللہ را تکذیب میکنید که گویا در حکم و اختیار کسی دیگر نیستید و یا مردن و بحضور خدا رفتن ندارید - وقتی که جان کدام شخص عزیز و محبوب شما در نزع باشد و نفس او بگلو برسد سختی های موت برو میگذرد و شما در اطراف بستر مرگ او نشسته ناتوانی، درماندگی و عدم اختیار او را تماشا میکنید و از طرف دیگر خدای تعالی و فرشتگان او نسبت به شما باو نزدیکتر اند مگر شما آنها را دیده نمیتوانید - اگر شما در اختیار و اقتدار کس دیگر نیستید در آن وقت چرا جان محبوب و عزیز خود را بسوی خود نمیگردانید و چرا بادل ناخواسته میگذارید که از شما جدا شود. چرا او را بسوی دنیا واپس آورده از سزای وارد شونده خلاصی نمیدهید اگر در دعاوی خود صادقید این چیز را بعمل آرید.

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ۝۸۸

پس اگر باشد آن مرده از جمله مقربین

فَرَوْحٌ وَرِيحَانٌ ۝۸۹ وَجَنَّتْ نَعِيمٌ ۝۹۰

پس (برای او) راحت و روزی و بهشت پر نعمت است

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ۝۹۱

و اگر باشد او از اشخاص دست راست

فَسَلِّمْ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ۝۹۱

پس سلامتی برسد بتو از اشخاص دست راست

تفسیر: يك ثانيه هم اورا باز داشته نمیتوانید حتمی است که او به نشیمن حقیقی خود برسد - اگر آن مرده از جمله مقربین الهی (ج) است - به بلندترین درجه راحت و عیش جسمانی و روحانی خواهد رسید - و اگر از «اصحاب یمن» باشد باز هم برایش اندیشه و خطری نیست حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد «یعنی از طرف آنها خاطر خود را جمع و آسوده دار» و یا این مطلب است که از طرف اصحاب یمن باو سلام خواهد رسید و یا باو گفته میشود که آینده برای تو سرتاسر سلامتی و امن است و تودر زمره «اصحاب یمن» شامل هستی - در بعضی احادیث است که برای میرنده پیش از موت این بشارت‌ها رسانده میشود همچین به مجرمان راجع به بدحالی و بد بختی آنها اطلاع داده میشود .

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمَكِيدِۢۢ بَيْنَ الضَّالِّينَ ۝۹۲

و اگر باشد از مکذبین همراهان

فَنُزِّلُ مِنْ حَمِيمٍ ۝۹۳ وَتَصْلِيَةٌ جَهِيمٍ ۝۹۴

پس (اوراست) مهمانی از آب جوشان و انداختن به آتش

تفسیر: انجام مکذبین این می باشد و خبر پیش از مردن بایشان رسانده میشود .

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ﴿٩٥﴾

بتحقیق این سخن همانا شایان یقین است

تفسیر: تکذیب شما بیهوده و بیموقع است - چیزیکه به مؤمنین و مجرمین خبر داده شده بالکل یقینی بوده همانطور بظهور میرسد- نفس خود را به پیدا کردن شبهات فریب مدهید بلکه برای وقتیکه آمدنی است آمادگی کنید .

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٩٦﴾

پس بپاکی یاد کن نام پروردگار خود را که از همه بزرگ است

تفسیر: یعنی به تسبیح و تحمید مشغول باشید که تیاری کلانی است برای آسودگی آن جهان اگر کسی مشغول این عمل نیک باشد بیهودگیهای دل آزار مکتدبین باو صدمه نرسانده دلش یکسو و جمع می باشد و نیز خیالات باطل مکتدبین رد میشود - درخاتمه این سورت میخواهیم حدیثی را نقل کنیم که امام بخاری (رح) بر آن کتاب خود را ختم کرده است - عن ابی هریره قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم كلمتان خفيفتان على اللسان ثقيلتان في الميزان حبيبتان الى الرحمن «سبحان الله وبحمده سبحان الله العظيم» (از ابوهریره روایت است که رسول الله (ص) فرمود «خواندن این دو کلمه بر زبان آسان و سبک است لیکن در میزان سنگین بوده رحمن آنرا دوست دارد «سبحان الله وبحمده سبحان الله العظيم» (تمت سورة الواقعة والله الحمد والمنه)

(سورة الحديد مدنية وهي تسعو وعشرون آية واربعة ركوعات)
(سورة الحديد مدني و آن بیست و نه آیت و چهار رکوع است)



سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ ﴿٩٧﴾

بپاکی یاد کرد الله را آنچه در آسمانها و زمین است
تفسیر: یعنی بزبان قال و یا حال و یا بپردو .

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٩٨﴾ لَهُ مَلِكُ السَّمٰوٰتِ

و اوست غالب با حکمت مر اوراست پادشاهی آسمانها

وَالْأَرْضِ ۚ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ

و زمین زنده میگرداند و میمیراند و او بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲﴾

هر چیز تواناست

تفسیر : در آسمانها و زمین همه جاتنها حکم و اختیار او نافذ است بزمام ایجاد و اعدام بدست اوست هیچ قوت - تصرف تکوینی او را باز داشته نمیتواند .

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ

اوست پیش از همه و پس از (فنای) همه

تفسیر : هنگامی که موجودی نبود او تعالی موجود بود و بعد از اینکه هیچکس نماند او تعالی موجود و باقی میماند .

وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ۚ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۳﴾

و اوست ظاهر و اوست پنهان و او بهر چیز داناست

تفسیر : وجود و ظهور هر چیز از وجود اوست بنابراین اگر وجود او ظاهر و باهر نباشد از کدام کس دیگر خواهد بود ؛ از عرش تا فرش و از ذره تا آفتاب هستی هر چیز دلیلی است روشن بر هستی او لیکن با این همه ممکن نیست عقل و ادراک بکنه ذات و حقایق صفات او برسد و یک صفت او را هم علم کسی احاطه کرده نمیتواند و نه قیاس و رای اندک کیفیت او را بیان میتواند لهذا گفته می توانیم که هیچ چیزی مانند او پوشیده تر و مخفی تر نیست بهر حال او تعالی هم داخل هم خارج ، هم ظاهر هم باطن بوده هر نوع احوال آشکار و پنهان را میداند - ظاهر (به معنی غالب) چنانکه هیچ قوتی از او فوق تر نیست باطن است یعنی عالم است بواطن امور را چنانچه ماورای آن موقعی نیست که کسی از نگاه او غائب شده - پناهگاهی بیابد - ففی الحدیث «وانت الظاهر فلیس فوقك شیء وانت الباطن فلیس دونك شیء» .

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

اوست آنکه بیافرید آسمانها و زمین را

فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ط

در شش روز باز مستقر شد (قصد کرد) بر عرش

تفسیر : تفصیل این در سوره اعراف در آخر باره هشتم گذشته است .

يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا

میداند آنچه می‌راند در زمین و آنچه می‌برآید از آن

تفسیر : مثلا آب برف و باران و تخم به داخل زمین می‌رود و کشت و گیاه و درخت
و غیره از آن بیرون می‌برآید . تفصیل این موضوع در سوره «سبا» گذشته .

وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا

و آنچه فرود می‌آید از آسمان و آنچه بالا می‌رود در آن

تفسیر : از آسمان فرشتگان ، احکام فیصله‌های قضا و قدر و بارندگی و غیره فرود
می‌آید و ملائکه الله و اعمال بندگان بالا می‌روند .

وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ ط

و او با شماست هر جا که باشید

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝۴

و الله به آنچه می‌کنید بیناست

تفسیر : هیچگاه از شما دور نیست بلکه هر جائیکه باشید و بهر حالتیکه باشید او تعالی
به احوال شما خوب میداند و همه اعمال پنهان و آشکار را می‌بیند .

لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ط

او راست پادشاهی آسمانها و زمین

وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٥﴾

و بسوی الله بازگردانیده میشود همه کارها

تفسیر : از قلمرو او برآمده جانی گریخته نمیتواند در تمام آسمانها و زمین حکومت همان ذات یگانه است و آخر کار فیصله تمام کارها محض از آنجا صادر میشود .

يُؤَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ط

داخل میکند شب را در روز و داخل میکند روز را در شب

تفسیر : گاهی از شب کاسته روز زادراز میسازد و گاهی برعکس آن روز را کوتاه ساخته شب زادراز میگرداند .

وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٦﴾

و او داناست به آنچه در سینه ها است

تفسیر : نیت و اراده های که در دل پیداشود و یا خطرات و سواوسیکه خطور کند از علم او تعالی بیرون نیست .

أٰمِنُوْا بِاللهِ وَرَسُوْلِهِ وَانْفِقُوْا

ایمان آرید بگوئید الله و به رسول او و خرج کنید

هَمَّا جَعَلَكُمْ مُّسْتَخْلَفِيْنَ فِيْهِ ط

از آنچه که بدست شما داده است، نائب خود ساخته در آن (از جمله آن مالیکه ساخته است شما را جانشین دیگران)

تفسیر : مالی که بدست شماست مالک آن الله (ج) است شما محض امین و خزانه دار هستید بنابراین هر جائیکه او تعالی امر کند شما به حیث نیابت او خرج کنید - و این را نیز مدنظر داشته باشید که بیشتر این مال در دست دیگران بود و شما جا نشین آنها شدید پرطاهر است که شخص دیگر جانشین شما گردانیده میشود - چون معلوم و روشن است که این چیز نه نزد پیشینیان مانده و نه پیش شما خواهد ماند دل بستن با چنین چیز های زائل و فانی مناسب نیست پس نباید انسان در مواقع ضروری و مساعد از انفاق پهلو تپی کند .

فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَأَنفَقُوا

پس آنانکه ایمان آوردند از شما و خرج کردند

لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ⑦

ایشان راست ثواب بزرگ

تفسیر : بنابراین ضروری است که در وجود مردمانیکه این صفت و خصلت موجود نیست آنها در وجود خود پیدا کنند و کسانی که از آن بهره‌منداند همیشه بر آن قائم و استوار باشند و به مقتضای ایمان عمل نمایند .

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ

و چه شده شمارا که ایمان نمی‌آرید به الله در حالی که رسول

يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ

میخواند شمارا که ایمان بیارید به پروردگار خود (بتحقیق) گرفته‌است

مِيثَاقَكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ⑧

عهد محکم از شما اگر هستید مؤمنان

تفسیر : از ایمان آوردن بر الله و یا از تعقیب راهای معرفت و یقین کدام چیز مانع شما میشود و درین معامله سستی ، تنبلی و تغافل چرا باشد - غور و دقت کنید و قتی که رسول خدا شمارا بسوی کدام چیز غیر مانوس معقول نی بلکه بطرف پروردگار و مربی حقیقی شما دعوت میکند که عقیده آن در اصل فطرت شما و دیعت نهاده شده و نیز اقرار ربوبیت او تعالی را پیش از آمدن خود بدینا کرده‌اید چنانچه تاثیر آن اقرار یک اندازه تا به امروز چیزی در قلوب بنی آدم یافت میشود و باز به ذریعه دلائل و براهین و ارسال رسل یاددهانی و تجدید آن عهد و پیمان ازلی نیز کرده شده و انبیای سابقین از امتهای خود این عهد را هم گرفته‌اند که به اتباع خاتم الانبیاء (ص) خواهند پرداخت . نیز بسیاری از شما هستند که بردست مبارک رسول کریم (ص) عهد پخته کرده اند که به سمع و طاعت و انفاق فی سبیل الله و غیره امور ایمانیه پای بند شوند پس بعد از این مبادی گنجایش آن نمی‌ماند که کسیکه اراده باور کردن را داشته باشد باور نکند و کسیکه باور کرده باشد از باور کردن و میثاق خود برگردد .

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ

اوست آنکه فرو میفرستد بر بنده خود آیات واضح

لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ط

تا بیرون آرد شما را از تاریکی ها بسوی روشنی

وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ۹

و (بتحقیق) الله بشما نرمی کننده (بخشاینده) مهربان است

تفسیر : یعنی قرآن را فرو فرستاد و علامات صدق را عطاء فرمود تا بذریعه آن شما را از ظلمات کفر و جهل برآورده در روشنی ایمان و علم بیارد - این بسیار لطف و مهربانی خداست - اگر اراده سختی میداشت شما را در همین تاریکی ها گذاشته هلاک میساخت و یا بعد از ایمان آوردن هم خطاهای گذشته را معاف نمی کرد .

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

و چه شده شما را که خرج نمیکنید در راه الله

وَاللَّهُ مِيرَاتُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ط

و خدای راست میراث آسمان ها و زمین

تفسیر : مالکان ملک فنا میگردند و ملک به الله باقی میماند بلکه در حقیقت این مال و متاع همیشه ازو بوده است پس از جمله مال او بر وفق حکم او خرج کردن چرا بر شما گران بگذرد! اگر برضاء و رغبت و اختیار باو ندهید بی اختیار نزد همان ذات میرسد اقتضای بندگی همین است که برضاء و رغبت خود تقدیم کند و در حینیکه انسان در راه او خرج کند از فقر و افلاس نترسد زیرا که مالک خزائن زمین و آسمان فقط الله است - آیا ممکن است کسیکه در راه او برضاء و رغبت خرج کند گرسنه بماند «و لا تخش من ذي العرش اقلالا» .

لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ

برابر نیست از شما آن که خرج کرد

مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ

فتح مکه

پیش از

تفسیر : بعضی از فتح صلح حدیبیه مراد گرفته است و بعض روایات تائید آن را می کنند .

وَقَاتَلَ^ط أَوْلِيَاءَ أَعْظَمُ دَرَجَةٍ^س مِّنْ

و مقاتله کرد و آن گروه بزرگ ترند از روی درجه از

الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا^ط

آنانکه خرج کردند بعد از فتح و مقاتله کردند

و كُفُلًا^ط وَعَدَا اللَّهُ الْحَسَنِي

و هردو فریورا وعده داده است الله نیکوئی (بهشت)

تفسیر : حقیقتاً هر وقتیکه خرج و جهاد در راه خدا بعمل آورده شود خوب و نیکو است و خدای تعالی بهترین پاداش آنرا در دنیا و یا آخرت می دهد لیکن افراد ذی استطاعتی که پیش از «فتح مکه» و یا صلح «حدیبیه» خرج کردند و جهاد نمودند آنها به درجات بلند رسیدند - مسلمانان ما بعد به درجه آنها رسیده نمیتوانند - زیرا که آنوقتی بود که باور کنندگان حق و جنگ کنندگان در راه او اقل قلیل بودند و دنیا از کافران و باطل پرستان پر بود و در آنوقت اسلام به قربانیهای جانی و مالی احتیاج زیادی داشت و در ظاهر نظر با سبب، امید مجاهدین با ممال و غنائم و غیره بسیار کم بود - در چنین حالات ایمان آوردن و در راه خدا (ج) جان و مال را نثار کردن کار انسان اولوالعزم و استوار تر از کوه است فرضی الله عنهم و رضوانه و رزقنا الله اتباعهم و حبههم آمین .

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ^ع

①

خبردار است

میکنید

خدا به آنچه

و

تفسیر : الله بکلی آگاه است که عمل کدام کس چه درجه دارد و در آن چقدر اخلاص است مطابق همین علم محیط خود با هر یکی معامله میکند .

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا

کیست آنکه قرض دهد از خدا قرض دادن نیکو

فِيضِعْفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١١﴾

پس دو چند میکند آنرا برای او و او را است ثواب گرامی

تفسیر: حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد «معنی قرض اینکه اگر در دنیا در راه جهاد خرج کنید البته شما از دولت و ثروت استفاده میگیرید (و در آخرت بر تبه های بلند میرسید) همین است معنی دو چند ورنه بین مالك و غلام مفاد و ربح نیست - هر چه داد هم ازوست و هر چه نداد هم ازوست» .

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

روزیکه بینی مردان مسلمان و زنان مسلمان را

يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ

که می شتابد نور ایشان پیش روی ایشان و بطرف های راست ایشان

تفسیر: هنگامیکه از میدان حشر به صراط میروند تاریکی شدید میشود - این وقتی است که روشنی ایمان و عمل صالح همراهی میکند شاید روشنی ایمان که محل آن قلب است پیش روی باشد و از عمل صالح به جانب راست زیرا اعمال نیک به طرف راست جمع میشود - هر کس در جهل روشنی را قرار درجه ایمان و عمل خود می یابد و غالباً روشنی این امت از طفیل پیغمبر شان نسبت به روشنی امت های دیگر صافتر و تیز تر خواهد بود از بعضی روایات و جود روشنی در جانب چپ هم معلوم میشود مطلب آن شاید این باشد که اثر روشنی بهر طرف میرسد . والله اعلم .

بَشْرِكُمْ الْيَوْمَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

(گفته میشود) مژده باد شما را امروز - شما را است بوستانها که می رود زیر درختان آن جویها

خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٣﴾

جاویدان باشند در آن همین است کامیابی بزرگ

تفسیر: زیرا که جنت مقام خوشنودی الله است - هر کس که در آنجا رسید بهمه مقاصد نائل گردید .

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ لِلَّذِينَ

روزیکه میگویند مردان منافق و زنان منافق

اَمْنُوا انظروا نأقتبس من نوركم

مسلمانان را انتظار ما را بکشید تا روشنی بگیریم از نور شما

قِيلَ ارْجِعُوا وَاَرَأَيْكُمْ فَالتَّيْسُ اَنْوُرًا

گفته میشود بازگردید در عقب خود پس بجوئید روشنی را

فَضْرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَّهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ

پس ایستاده کرده شود در میان ایشان دیواری که او را دروازه باشد در داخل آن

الرَّحْمَةِ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ۝۱۳

رحمت است و از طرف بیرون آن عذاب است

تفسیر : میان مؤمنان و منافقان دیواری دارای دروازه ایستاده میشود - مومنین از آن دروازه بسوی جنت روان شده از نظر منافقان غایب میشوند - در داخل دروازه منظره جنت به نظر می آید و در خارج دروازه منظره عذاب الهی دیده میشود .

يَنَادُوا وَنَهُمُ اَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ

نداکنند منافقان مسلمانان را آیا ما نبودیم همراه شما

تفسیر : قصه چنان است که کافران آشکارا بریل صراط روان نمیشوند بلکه پیشتر در دوزخ از دروازه های آن پرتاب کرده میشوند - البته کسانی که امت کدام پیغمبر هستند صادق باشند و یا کاذب بایشان حکم گذشتن از بل صراط میشود پیش از صعود و عبور بر آن پل یک تاریکی شدید مردم را فرا می گیرد آنوقت به همراه ایمانداران روشنی میباشد منافقین هم خواهش میکنند که پس پس ایمانداران از روشنی آنها استفاده کنند لیکن مؤمنان بسرعت پیش میروند چنانچه روشنی آنها از منافقین دور میشود در آنوقت منافقین صد میگویند که يك لحظه صبر کنید ما مردم را در

تاریکی گذاشته پیش میروید - چیزی انتظار بکشید تا ما هم با شما یکجا شویم و از روشنی شما استفاده کنیم - آخر دردنیایا همراه شما سکونت داشتیم و ما هم ظاهراً در مسلمانان به شمار میرفتیم درین مصیبت ما را در تاریکی گذاشته کجا میروید آیا حق رفاقت همین است ؟ جواب داده میشود که «برگردید و روشنی را جستجو نمائید اگر میتوانید از همانجا بیاورید ، این را شنیده پس میگردند فوراً دیواری بین هر دو گروه حائل میشود - یعنی این روشنی دردنیایا بدست آورده می شد لیکن آن جای را در عقب گذاشته آمدید و یا مراد از عقب جایی خواهد بود که پیش از بالا آمدن بر بل صراط نور تقسیم کرده شده بود .

قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمُ أَنفُسَكُمْ

گویند آری ولیکن شما در بلا افکندید نفس های خود را

وَتَرَبَّصُّوهُمْ وَأَرْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ

و انتظار بردید (بمسلمانان حوادث بد را) و شك کردید و فریفت شمارا آرزوها تا آنکه

جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّتْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿۱۳﴾

رسید حکم خدا و فریب داد شمارا به (کرم) الله شیطان فریبنده

تفسیر : درست است در دنیا ظاهرآ همراه ما بودید و به زبان دعوی اسلام میکردید مگر حال باطنی شما این بود که گرفتار لذات و شهوات شده راه نفاق را اختیار کرده بودید و نفس خود را فریب داده خود را در هلاکت انداختید - باز هیچ توبه نکردید بلکه منتظر بودید که آیا چه وقت اسلام و مسلمانان مورد کدام آفت و بلا واقع میشوند و راجع بدین دائما مبتلای شکوک و شبهات بودید در همین فریب گرفتار بودید که در آینده هیچ جزای این کردار و رفتار منافقانه بشما نمیرسد بلکه این خیالات و توقعات را به دماغ خود پرورانیدید که «عنقریب این همه شور و غلغله اسلام و مسلمانان به پایان خواهد رسید ، بالآخر ما غالب میشویم میماند قصه آخرت پس در آنجا هم به کدام حيله نجات خواهیم یافت ، شما مست این خیالات بودید که حکم الله متعال رسید و گلوی شمارا مرگ فشار داد و آن دغا باز کلان (شیطان) شمارا از راه کشیده چنان محروم تان نمود که اکنون هیچ راه رستگاری باقی نمانده .

فَالْيَوْمَ لَا يُوْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ

پس امروز قبول نمیشود از شما فدیة و نه از

الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ مَا وَكُمُ النَّارُ ۗ

کافران جای همه شما دوزخ است

هِيَ مَوْلَاكُمْ^ط وَ بئس^{١٥} الْمَصِيرُ

همان آتش رفیق (لایق) شماست و بد باز گشت است

تفسیر : بالفرض اگر امروز شما منافقان و آنانکه آشکارا کافر بودند بخواهید چیزی معاوضه و غیره داده از سزا رها نمی یابید به هیچ صورت قبول نمیشود همه شما حالا در همین خانه اقامت دارید و همین آتش دوزخ هم نشیمن شما و هم رفیق شماست از دیگری توقع رفاقت مکنید .

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ

آیا وقت آن نرسیده بمؤمنان که بترسد

قُلُوبُهُمْ لِيَذْكُرُوا اللَّهَ وَ مَا نَزَلَ

دلهای ایشان از یاد کردن الله و آنچه فرود آمده

لَا مِنْ الْحَقِّ

از دین حق

تفسیر : وقت آن رسیده است که دلهای مؤمنین بیاد الله و قرآن و مقابل دین راست او خم شود و نرم شده به خشوع و زاری پردازد .

وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

و نباشند مانند آنانکه داده شده است ایشانرا کتاب

مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ

پیش ازین پس دراز شد برایشان زمان پس سخت شد

قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فِسْقُونَ^{١٦}

دلهای ایشان و بسیاری از ایشان نافرمانند

تفسیر : ایمان همان است که در نتیجه آن دل نرم شود و از نصیحت و یاد خدا بزودی متاثر شود در زمان سابق اهل کتاب این چیزها را در صحبت پیغمبران بدست می آوردند . بعد از مدتی غفلت استیلا کرده رفت ، دل‌های آنها سخت گردید همان کیفیت باقی نماند چنانچه اکثر آنها سرکشی کردند و نافرمانی‌ها را شروع کردند - حالا نوبت مسلمانان رسیده است که آنها در صحبت پیغمبر خود بوده به صفات نرم‌دلی - انقیاد کامل و خشوع بذكر خدا (ج) متصف شوند و به مقام بلندی برسند که هیچ امتی بدانجا نرسیده بود .

إَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ط

بدانید که الله زنده میگرداند زمین را بعد از مردن آن

قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۱۷﴾

(هر آئینه) واضح بیان کردیم برای شما نشان‌ها را شاید شما تعقل کنید

تفسیر : مردم عرب چون زمین مرده جاهل و گمراه بودند حال الله آنها را به روح ایمان و علم زنده ساخت و آنها را دارای جمیع کمالات گردانید خلاصه مرده‌ترین انسانها هم هیچ دلیل مایوس شدن را ندارد اگر توبه صحیح کند الله بار دیگر در قالب و ی روح حیات را میدمد .

إِنَّ الْمُسَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ

بتحقیق مردان صدقه‌دهنده و زنان صدقه‌دهنده و آنانکه قرض میدهند خدا را

قَرْضًا حَسَنًا يَضَعُ لَهُمْ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ﴿۱۸﴾

قرض نیک دوچند داده میشود بایشان و ایشان راست ثواب گرامی

تفسیر : کسانی که در راه خدا به نیت خالص و پاک برای خوشنودی او تعالی خرج کنند و عوض و شکریه از غیر الله نخواهند گویا آنها به الله قرض میدهند - بنابراین اطمینان بدانند که قرض آنها ضایع نمیشود بلکه چنددرچند بایشان پس داده میشود .

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ

و کسانی که ایمان آورده‌اند به الله و تمام رسولان او آن گروه

هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ ط

ایشانند ایمان داران راست و گواهانند نزد پروردگار خود

لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ ط

ایشان راست ثواب ایشان و نور ایشان

تفسیر : مترجم محقق (رح) به ظاهر عطف «الشهداء» را بر (الصدیقون) قبول کرده است یعنی کسانی که برالله و جمیع پیغمبران او کاملاً ایمان آوردند (باید اثر یقین آنها در اعمال و احوال آنها ظاهر باشد) ایمانداران راست و راست همین مردم اند و همین حضرات نزد الله تعالی گواه احوال دیگر مردم اند - کما قال «وكذلك جعلكم امة وسطا لتكونوا شهداء على الناس ويكون الرسول عليكم شهيدا» (بقره زکوع ۱۷) در آخرت باین ایمانداران راست قرار عمل و درجه ایمان شان ثواب و روشنی اعطا میشود (تفسیر این آیت به چندین رقم دیگر نیز کرده شده این مختصر گنجایش نقل مفصل آن را ندارد) .

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

و کسانی که منکر شدند و تکذیب کردند آیات ما را

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ۝١٦

آن گروه اهل دوزخ اند

تفسیر : یعنی اصلاً دوزخ برای همین مردم ساخته شده است .

إِعْلَمُوا أَنَّهُمُ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُمُ

بدانید که زندگانی دنیا بازی و تماشا

و زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ

و آرایش و خودستائی است و در میان تان و زیاده طلبی است

فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ

در مالها و اولاد مانند بارانیکه

أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتْرًا لَهُ

خوش ساخت (به تعجب آورد) زراعت کنندگان ناشکرا سبزه آن باز بقوت می آید (خشک میشود) پس میبینی آنرا

مُصْفَرًّا اَنْتُمْ يَكُوْنُ حُطَامًا وَفِي الْاٰخِرَةِ

زرد شده پس میشود درهم شکسته (بایمال شده) و در آخرت

عَذَابٌ شَدِيْدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانٌ

عذاب سخت است و نیز آمرزش از جانب خدا و رضامندی است

وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا اِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُوْرُ ﴿٢٠﴾

و نیست زندگانی دنیا مگر متاع فریب

تفسیر : انسان در اوایل عمر بازی را دوست دارد ، باز سیر و تماشای سپس زینت و آرائش (فیشن) را بعد از آن زیادتی و قار و ترفع بر اقران و حصول نام و نمایش را خواهش دارد بالآخر وقتیکه روزهای موت قریب میرسد فکرمال و اولاد دامنگیر او میشود که بعد از من خانه و کار و بار من بر حال باشد و اولادم به آسودگی زندگی خود را بسربرد مگر این هم جاء و شوکت فانی و زائل است چنانکه رونق و منظره زراعت چند روز می باشد سپس زرد میگردد و انسان و جانوران آن را پامال کرده ریزه ریزه میکنند و هیچ نام و نشان آن شادابی و خوشی صورتی باقی نمماند زندگانی دنیا و مال و متاع و شوکت آنرا به همین قیاس کنید که جز سرمایه فریب و غرور چیزی نیست - انسان از بهار و رونق عارضی آن فریب خورده سرانجام خود را تباه می سازد حال آنکه این چیزها بعد از موت قطعاً به کار نمی آید چیز دیگریست که آنجا بکار می آید و آن عبارت است از ایمان و عمل صالح کسیکه درین دنیا این چیزها را کمائی کرده با خود برد بداند که کشتی وی

از طوفان نجات یافت در آخرت برای او خوشنودی و خرسندی مالک تعالی حاصل میشود و کسیکه از دولت ایمان تهیدست ماند و با پشتاره کفر و عصیان در آن جهان رسید برای وی عذاب سخت آماده است. و کسیکه با وجود ایمان و یقین در اعمال نیک کوتاهی کرد برای وی زود و یا دیر بعد از مجازات لازمه بالآخر آمرزش است آن بود خلاصه دنیا و این خلاصه آخرت.

سَابِقُوْا اِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ

بشتابید بسوی آمرزشی که از جانب پروردگار شماست و بسوی بهشتی

تفسیر: پیش از مرگ چنان آمادگی و تیاری کنید که به ذریعه آن تقصیرات شما معاف و بهشت نصیب شما گردد درین کار سستی و تاخیر مناسب نیست.

عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ

که پهنائی آن مانند پهنائی آسمان و زمین است

تفسیر: اگر آسمانها و زمین یک جا کرده شوند عرض جنت برابر عرض آنها میشود و طول آن خاص بخدا معلوم است.

أَعَدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ

آماده کرده شده برای آنان که ایمان آورده اند به الله و رسولان او

ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ

این است فضل خدا میدهد آنرا به هر کسی که بخواهد

وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۝۲۱

و خدا صاحب فضل بزرگ است

تفسیر: شك نیست که ایمان و عمل اسبابی است برای حصول جنت لیکن یافتن آن محض به فضل خدا تعلق دارد اگر فضل او شامل حال نباشد خلاصی از سزاهم مشکل است چه جای آنکه یافتن جنت بمیان آورده شود.

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي سَمَاءٍ

نمیرسد هیچ مصیبتی در زمین و نه در

أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا

نفسهای شما مگر نوشته شده است در کتابی پیش از آنکه بیافرینیم آنها
تفسیر: آفت عمومی که در ملک می آید مثلاً قحط و زلزله و غیره و مصیبتی که به خود شما لاحق شود مثلاً مرض و غیره آن همه در علم الله از قدیم یک امر فیصله شده است و در لوح محفوظ مرقوم است مطابق آن دردنیاً حتماً بظهور رسیدنی است اندکی هم کم و بیش و پس و پیش نمیشود.

إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

بتحقیق این بر الله آسان است

تفسیر: علم الله تعالی بهر چیز علم ذاتی است و بزحمت آنرا حاصل نکرده بنابراین برای وی چه مشکل است که مطابق علم محیط خویش تمام واقعات و حوادث را قبل از وقوع در لوح محفوظ درج فرماید.

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ

خبر دادیم تا اندوه نخورید بر آنچه رفت از دست شما

وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ

و شادمان نشوید به آنچه داده است شمارا

تفسیر: از سببی شمارا برین حقیقت آگاه گردانید تا خوب بدانید که نیکوئی مقدر شده حتماً بشما رسیدنی است و آنچه مقدر نیست گاهی بدست شما نمی آید چیزی که در علم قدیم الله تعالی مقرر شده است همانطور بوقوع پذیرفتنی است - لهذا چیز مفیدی که بدست شما نرسد بران غمگین و مضطرب مشوید و آنچه از قسمت بدست شما آید برآن فخر و مباهات نکنید بلکه هنگام مصیبت و ناکامی صبر و تسلیم را شیوه گیرید و در وقت راحت و کامیابی از شکر و تحمید کار بگیرید.

تنبیه: بیشتر در «اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب و لهوالایه» خاطر نشان نموده بود که آدم را نباید در اسباب عیش و طرب دنیا گرفتار آمده از آخرت غافل شود - درین آیت متنبه فرمود که وقتی که انسان زیر فشار تکالیف و مصائب این جهان بیاید نباید از حد اعتدال تجاوز کند.

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ۝۲۲

و خدا دوست نمیدارد هر متکبر فخرکننده را

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ

آنانند که بخل میکنند و امر میکنند

النَّاسَ يَا بُخْلٍ ط

مردم را به بخل

تفسیر : عادت اکثر دولتمندان متکبران است که بسیار لاف و گزاف میزنند مگر چون نام انفاق گرفته شود پولی از جیب شان نمی برآید توفیق رفیق شان نمیشود که خود شان در کدام کار نیک بدهند بر علاوه دیگران را هم به قول و فعل خود چنین تعلیم میدهند - در موقع مناسب مسابقه کنان خرج کردن کار آن متوکلین و صاحبان همت است که پول را دوست ندارند و میدانند که رنج و راحت فقط از جانب همان مالک علی الاطلاق است .

وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝۲۴

و هر که رو بگرداند پس (هر آئینه) الله اوست بی نیاز موصوف بصفات پسندیده

تفسیر : از انفاق و عدم انفاق شما با و تعالی هیچ فائده و یا نقصان نمیرسد چه او تعالی بی نیاز و بی پروا است جمیع خوبی ها علی وجه الکیمال در ذات او جمع است از هیچیک فعل شما در هیچیک خوبی او اضافه نمیشود - نفع و نقصان هر چه است تنها از شماست - اگر خرج کردید فائده خواهید برداشت و اگر از انفاق پهلوتی کردید مورد زیان و خسران واقع میشوید .

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ

بتحقیق فرستادیم رسولان خود را با نشانها و فرود فرستادیم با ایشان

الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ج

کتاب و ترازو را تا قائم باشند مردم به انصاف

تفسیر : شاید مراد از ترازو همین ترازوی وزن کردن باشد چه به ذریعه ترازو هم در داد و گرفت انصاف بعمل می آید مقصد اینکه کتاب را از سببی نازل فرمود که مردم در عقائد - اخلاق و اعمال مستقیماً براه انصاف بروند و براه افراط و تفریط قدم نمانند - و ترازو را از سببی پیدا کرد که در معاملات بیع و شراو غیره پله انصاف به هیچ طرف نه بالا شود و نه پایان - و شاید از «ترازو» شریعت مراد باشد که حسن و قبح جمیع اعمال قلبیه و قالبیه را به صحت سنجیده و وزن کرده نشان میدهد - والله اعلم.

وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ

و فرود آوردیم آهن را

تفسیر : آهن را به قدرت خود پیدا فرمود و کانهای آنرا در زمین نگه کرد .

فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ

در آن جنگ سخت است و منفعتی است برای مردمان

تفسیر : هر نوع سامان و اسلحه جنگ از آهن ساخته میشود و از آن بسیار کارهای انسان می برآید .

وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ ط

و تا معلوم کند الله کسی را که مدد میکند خدا را و رسولان او را نادیده (در غیاب)

تفسیر : کسانی که بذریعه کتاب آسمانی براه راست نیایند و ترازوی انصاف را در دنیا راست نگه نکنند ضرورت واقع میشود که به آنها گوشمالی داده شود و وقار و اقتدار احکام خدا و رسول بر معاندین ظالم و کجرو استوار نگه داشته شود - در آنوقت دست به قبضه شمشیر بردن و در یک جهاد خالص دینی همین آهن را به کار انداختن ضروری میگردد - درین وقت آشکار می گردد که آن بندگان وفادار کدام اند که بدون دیدن در محبت خدا (ج) در حینیکه براجر و ثواب آخرت یقین دارند به امداد دین و پیغمبران او میکوشند .

إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ٢٥

بیشک الله توانا غالب است

تفسیر : تعلیم و ترغیب جهاد برای آن نیست که الله به امداد و اعانت شما محتاج است میتوان فهمید که آن ذات توانا و زبردست به یک مخلوق عاجز و ناتوان چه حاجت دارد بلکه امتحان وفاداری شما مقصود است تا بندگانیکه درین آزمایش کامیاب شوند به مقامات اعلی رسانده شوند .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا

(و) (بتحقیق) فرستادیم نوح و ابراهیم را و نهادیم

فِي ذُرِّيَّتِهَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ

در اولاد هردوی ایشان پیغمبری و کتاب را

تفسیر : برای پیغمبری و کتاب نسل این هردو بزرگوار را برگزید طوری که بعد از ایشان این نعمت از ذریت آنها خارج نشود .

فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ ۚ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَسِقُونَ ﴿٢٦﴾

پس بعضی از ایشان راه یافتگان اند و بسیاری از ایشان نافرمان اند

تفسیر : یعنی بسوی مردمانی که ایشان مبعوث شده بودند و یا بعبارت دیگر از اولاد این هردو پیغمبر بعضی بر راه هدایت قائم ماندند و اکثر از آنها نافرمان ثابت شدند .

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا

باز از عقب فرستادیم بر قدمهای ایشان پیغمبران خود را

تفسیر : پیغمبران آینده بر نقش قدم همین اسلاف روان بودند چه اصولاً و اساساً تعلیم همه ایشان یکی بود .

وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ

و از عقب فرستادیم عیسی پسر مریم را و دادیم او را

الْإِنْجِيلَ ۚ

انجیل

تفسیر : باز به آخرین انبیای بنی اسرائیل حضرت عیسی (ع) کتاب انجیل عطاء نموده مبعوث فرمود .

وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ

و نهادیم در دل‌های پیروان او

رَأْفَةً وَرَحْمَةً

نرمی و مهربانی

تفسیر: در دل‌های آن تابعین حضرت مسیح (ع) که واقعاً بر طریق او روندگان بودند الله تعالی نرمی و مهربانی و دینیت فرموده بود - آنها با خلق خدا رویه محبت و شفقت میکردند و بایکدیگر از راه مهربانی پیش می آمدند .

وَرَهْبَانِيَّةٍ ابْتَدَعُوا مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ

و ترك دنیا را که آنها نوپیدا کرده بودند آنرا مافرض نگردانیده بودیم آنرا برایشان

إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا

لیکن اختراع کردند برای طلب خوشنودی الله پس رعایت نکردند آنرا

حَقَّ رِعَايَتِهَا

چنانکه حق رعایت آن بود

تفسیر: بعد از مرور زمان چون پیروان حضرت مسیح (ع) از مظالم پادشاهان بیدین بتنگ آمدند و از مخصه های دنیا پریشان گشتند يك بدعت رهبانیت را کشیدند که حکم آن از طرف خدای تعالی داده نشده بود ، اگرچه نیت آنها همین بود که خوشنودی الله را حاصل کنند مگر آنرا کماحقه بسر رسانده نتوانستند - حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد که «رسم و رواج فقیری و ترك دنیا را نصاری نهادند چنانچه در جنگلها گوشه نشینی کردند زن و اولاد نداشتند نه کسب ثروت میکردند و نه به جمع کردن آن شوق داشتند محض به عبادت مصروف بودند - با مردم نشست و برخاست نمیکردند الله تعالی بندگان خود را حکم نداده (که دنیا را ترك داده به گوشه تنهایی بنشینند) مگر چون کسی خود را تارك دنیا معرفی کند در پرده آن طلب دنیا بسیار گناه کلان است ، شریعت حقه اسلامی به چنان رهبانیتی که از اعتدال فطری متجاوز باشد قطعاً اجازه نداده - آری در بعضی احادیث وارد شده است که رهبانیت این است عبارت از جهاد فی سبیل الله است زیرا که مجاهد فی سبیل الله حقیقتاً از جمیع حظوظ و تعلقات خود منصرف شده خاص در راه خدای متعال می برآید .

تنبیه : « بدعت » کاری را گویند که اصل آن در کتاب و سنت و قرونی که بخیریت شان شهادت داده شده موجود نباشد و آنرا کاردین و ثواب دانسته بعمل آرند .

فَا تَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ

پس دادیم آنانرا که ایمان آوردند از ایشان پاداش ایشان

وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ﴿٢٧﴾

و بسیاری از ایشان نافرمان اند

تفسیر : از بین آنها اکثر نا فرمان اند بنابراین به خاتم الانبیاء (ص) ایمان نمی آورند اگرچه بحقیقت آن میدانند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا

ای مؤمنان بترسید از خدا و ایمان آورید

بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ

به پیغمبر او تا بدهد شمارا دو حصه از رحمت خود

وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ

و بنهد در شما نوری که راه روید به آن

وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٨﴾

و بیامزد شمارا و خدا آمرزگار مهربان است

تفسیر : به متابعت این رسول بپردازید تا این نعمت ها را بیابید یعنی معافی خطا های گذشته و دوچند ثواب هر عمل به شما داده شود و روشنی را با خود گرفته بروید یعنی وجود شما از ایمان و تقوی منور گردد و در آخرت همین نور پیش روی و دست راست شما برود .

تنبیه : به خیال این احقر العباد (شبیبیر احمد) این خطاب به آن اهل کتاب است که بر آنحضرت (ص) ایمان آورده بودند برین تقدیر از «وَأْمَنُوا بِرَسُولِهِ» ثبات و دوام بر ایمان مراد می باشد - باقی این بیان که به اهل کتاب دو چند ثواب داده میشود در فوائدسوره «قصص» ملاحظه شود .

لَيْسَ لَكَ يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ

تا بدانند اهل کتاب که قدرت ندارند

عَلَى شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ

بر چیزی از فضل خدا و آنکه بتحقیق فضل

بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ

بدست الله است میدهد آنرا بهر که خواهد و خدا

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۚ

۴۴
۲۹

صاحب فضل بزرگ است

تفسیر : اهل کتاب احوال پیغمبران سابق را شنیده آرزو میکردند که «افسوس ما از آن پیغمبران خیلی بماند بیداشدیم برای ما بدست آمدن آن درجات محال است که از صحبت انبیاء حاصل میشود» بدانید که ایزده تعال این رسول را مبعوث فرموده در صحبت او میتوان نسبت به سابق دو چند کمال و بزرگی بدست آورد و فضل خدا موقوف نشده است .

تنبیه : حضرت شاه صاحب (رح) تفسیر آیت را قرار فوق کرده است لیکن از اکثر سلف منقول است که درین موقع «لَا يَعْلَمُ» بمعنی «لکی يعلم» است یعنی تا آن اهل کتاب (که ایمان نیاوردند) بدانند که آنها بر فضل خدا قدرت ندارند و فضل فقط به دست الله است بهر که خواهد از برای میفرماید چنانچه کسانی که از اهل کتاب بر خاتم الانبیاء (ص) ایمان آوردند برایشان این فضل کرد که به ایشان دو چند اجر داده میشود و خطاهای گذشته شان معاف و برای ایشان روشنی مرحمت میگردد و کسانی که ایمان نیاوردند آنها ازین انعامات محروم اند .

(تمت سورة الحديد فله الحمد والمنة)

۹۹ نام های الله قرار ذیل است ۱/۲

۳۳	الْعَظِيمُ
۳۴	الْغَفُورُ
۳۵	الشَّكُورُ
۳۶	الْعَلِيُّ
۳۷	الْكَبِيرُ
۳۸	الْحَفِيظُ
۳۹	الْمُقِيتُ
۴۰	الْحَسِيبُ
۴۱	الْجَلِيلُ
۴۲	الْكَرِيمُ
۴۳	الرَّقِيبُ
۴۴	الْمُجِيبُ
۴۵	الْوَاسِعُ
۴۶	الْحَكِيمُ
۴۷	الْوَدُودُ
۴۸	الْمَجِيدُ

۱۷	الرَّزَّاقُ
۱۸	الْفَتَّاحُ
۱۹	الْعَلِيمُ
۲۰	الْقَابِضُ
۲۱	الْبَاسِطُ
۲۲	الْخَافِضُ
۲۳	الرَّافِعُ
۲۴	الْمُعِزُّ
۲۵	الْمُذِلُّ
۲۶	السَّمِيعُ
۲۷	الْبَصِيرُ
۲۸	الْحَكَمُ
۲۹	الْعَدْلُ
۳۰	اللطيفُ
۳۱	الْخَبِيرُ
۳۲	الْحَلِيمُ

۱	الرَّحْمَنُ
۲	الرَّحِيمُ
۳	الْمَلِكُ
۴	الْقُدُّوسُ
۵	السَّلَامُ
۶	الْمُؤْمِنُ
۷	الْمُهَيَّمِنُ
۸	الْعَزِيزُ
۹	الْجَبَّارُ
۱۰	الْمُتَكَبِّرُ
۱۱	الْخَالِقُ
۱۲	الْبَارِئُ
۱۳	الْمُصَوِّرُ
۱۴	الْغَفَّارُ
۱۵	الْقَهَّارُ
۱۶	الْوَهَّابُ

الرَّوْفُ	٨٣
مَالِكُ الْمَلِكِ	٨٤
ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ	٨٥
الْمُقْسِطُ	٨٦
الْجَامِعُ	٨٧
الْغَنِيُّ	٨٨
الْمُغْنِي	٨٩
الْمَانِعُ	٩٠
الضَّارُّ	٩١
النَّافِعُ	٩٢
النُّورُ	٩٣
الْهَادِي	٩٤
الْبَدِيعُ	٩٥
الْبَاقِي	٩٦
الْوَارِثُ	٩٧
الرَّشِيدُ	٩٨
الصَّبُورُ	٩٩

الْوَاحِدُ	٦٦
الْأَحَدُ	٦٧
الصَّمَدُ	٦٨
الْقَادِرُ	٦٩
الْمُقْتَدِرُ	٧٠
الْمُقَدَّمُ	٧١
الْمَوْخِرُ	٧٢
الْأَوَّلُ	٧٣
الْآخِرُ	٧٤
الظَّاهِرُ	٧٥
الْبَاطِنُ	٧٦
الْوَالِي	٧٧
الْمُتَعَالِي	٧٨
الْبَرُّ	٧٩
التَّوَابُ	٨٠
الْمُنْتَقِمُ	٨١
العَفْوُ	٨٢

الْبَاعِثُ	٤٩
الشَّهِيدُ	٥٠
الْحَقُّ	٥١
الْوَكِيلُ	٥٢
الْقَوِيُّ	٥٣
الْمَتِينُ	٥٤
الْوَلِيُّ	٥٥
الْحَمِيدُ	٥٦
الْمُخْصِي	٥٧
الْمُبْدِي	٥٨
الْمُعِيدُ	٥٩
الْمُحْيِي	٦٠
الْمُمِيتُ	٦١
الْحَيُّ	٦٢
الْقَيُّومُ	٦٣
الْوَاجِدُ	٦٤
الْمَاجِدُ	٦٥

در زیر نامهای ۲۶ پیغمبران گرامی را مشاهده میکنید که نامهایشان در قرآنکریم ذکر شده است

۱ - آدم ع

ادریس ع ۲	نوح ع ۲	هود ع ۴	صالح ع ۵
ابراهیم ع ۶	لوط ع ۷	اسماعیل ع ۸	الْحَقُّ ع ۹
یعقوب ع ۱۰	یوسف ع ۱۱	ایوب ع ۱۲	شعیب ع ۱۳
موسی ع ۱۴	هارون ع ۱۵	داود ع ۱۶	سُلَیْمَانُ ع ۱۷
یونس ع ۱۸	الیاس ع ۱۹	ایسح ع ۲۰	ذمی الکفل ع ۲۱
عزیر ع ۲۲	زکریا ع ۲۳	یحیی ع ۲۴	عیسی ع ۲۵

۲۶ - محمد (ص)

پنج پیغمبران اولوالعزم

۱ نوح ع

۲ ابراهیم ع

۳ موسیٰ ع

۴ عیسیٰ ع

۵ محمد ص

حضرت محمد (ص) و چهار یارانش

حضرت ابوبکر
صدیق رض

۴
حضرت
علی
رض

حضرت
محمد
ص

۲
حضرت
عمر
رض

۳
حضرت
عثمان رض



HOLY QURAN

With

Tafsire Kabuli

27